



## چگونه مقاومت را در جامعه تبیین کنیم؟

پاسخ به ۲۰ پرسش پیرامون چگونگی تبیین مقاومت

خرداد ۱۴۰۳

#ملت\_امام\_حسین علیه السلام - #ملت\_توقفناپذیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهبر و شخصیت



سازمان تبلیغات اسلامی

## روایت مقاومت

چگونه مقاومت را در جامعه تبیین کنیم؟

مؤلف: دکتر حمید ابدی

تهیه و تنظیم: اداره کل راهبری پیام

آدرس: تهران، ضلع جنوب شرقی میدان فلسطین، پلاک ۲۸

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۳۳۴۳

[www.nehzat.ir](http://www.nehzat.ir)

• همه حقوق محفوظ است.

# فهرست

- ۷ چرا باید مقاومت را در جامعه تبیین کنیم؟
- ۸ سوال ذهن مردم چیست؟
- ۹ ریشه این وضعیت چیست؟
- ۱۰ برای تغییر این وضعیت چه باید کرد؟
- ۱۳ گفتمان مقاومت چه نسبتی با زندگی مردم ایران دارد؟
- ۱۷ آیا واژه مقاومت در ذهنیت جامعه بار منفی دارد؟
- آیا صرفاً با بیان دستاوردهای مقاومت، نمی توان گفتمان مقاومت را تبیین کرد؟
- ۲۱ آیا در ادبیات رهبرانقلاب، زمانه گفتمان مقاومت به سرآمده است؟
- ۲۲ معنا و منظور از مقاومت چیست؟
- ۳۰ چه معنایی از مقاومت در ذهنیت جامعه جاافتاده است؟
- ۳۱ چه برداشتهای غلطی از مقاومت در جامعه مطرح است؟
- ۳۳ معنای صحیح از مفهوم و ایده مقاومت چیست؟
- ۴۴ نقطه اوج مقاومت را چگونه ترسیم بکنیم؟
- ۴۸ چه دقت‌ها و ظرافتهایی را در تبیین مقاومت رعایت کنیم؟
- ۵۱ مقاومت، بیش از ضربه زدن به دشمن، بر تقویت ساخت درونی تاکید دارد.

مقاومت بی‌هزینه نیست، اما هزینه سازش بیشتر از هزینه مقاومت است ..... ۵۹

در تبیین مقاومت، باید تمایز پیشرفتِ حقیقی، درون‌زا و پایدار را از توسعه‌ی صوری، برون‌زا و موقتی برجسته کنیم ..... ۶۲

### **چگونه مقاومت را در بستر فرهنگ عاشورا تبیین کنیم؟ ۷۱..**

**چگونه مقاومت را در بستر حوادث فلسطین اشغالی تبیین کنیم؟ ۷۸** .....

مقاومت غزه؛ تکرار درس‌های عاشورا برای تاریخ ..... ۸۸

مقاومت و آشکار شدن ذات خبیث تمدن غربی ..... ۸۹

اثبات حقانیت منطق انقلاب اسلامی ..... ۹۱

مقاومت و نتیجه بخش شدن رنج‌ها و فشارهای متحمل شده مردم ایران ..... ۹۳

مقاومت خونین و شکسته شدن هیمنه پوشالی و شیطانی استکبار .. ۹۴

به رخ کشیده شدن اقتدار نرم و سخت ایران در جهان ..... ۹۴

عظمت و سزاواری ولایت فقیه ..... ۹۵

مقاومت غزه؛ نمایشی از قدرت نقش‌آفرینی مردم ..... ۹۶

**چگونه دولت سیزدهم را به عنوان الگوی دولت مقاومت تبیین کنیم؟ ۹۸** .....

دولت مقاومت حاوی چه مشخصه‌هایی است؟ ..... ۹۹

دولت اسلامی چیست؟ ..... ۹۹

رابطه دولت مقاومت با دولت اسلامی چیست؟ ..... ۱۰۳

رفتار دولت مقاومت در مواجهه با اقتضائات نظم جهانی چگونه

است؟ ..... ۱۰۸

دولت مقاومت رابطه منافع ملی با منافع امت اسلامی و اهداف جهانی را

نه متعارض، بلکه متعاضد می‌داند ..... ۱۱۱

تبيين رویکرد دولت سیزدهم حاوی چه ضرورت راهبردی است؟ .... ۱۱۳

چگونه دولت سیزدهم را به عنوان دولت مقاومت تبیین کنیم؟ ..... ۱۱۶

دولت سیزدهم، با پرکاری و ارایه نصاب بالایی از خدمت، تاب‌آوری جامعه

را در برابر هزینه‌های مقاومت ارتقا داد ..... ۱۱۶

دولت سیزدهم تلاش کرد مردم نتیجه تحركات بین‌المللی را در منافع ملی

احساس کنند ..... ۱۲۴

دولت سیزدهم، با افزایش گستره ارتباطات و تعاملات بین‌المللی، انحصار

ارتباط با قدرت‌های غربی را بی‌معنا کرد ..... ۱۲۸

دولت سیزدهم با ایجاد یگانگی میان میدان و دیپلماسی، پشتیبان و

حامی نیروهای مسلح برای پیگیری سیاست‌های منطقه‌ای بود ..... ۱۳۲

## فصل اول

چرا باید مقاومت  
را در جامعه تبیین  
کنیم؟

## ■ سوال ذهن مردم چیست؟

پوشیده نیست که مردم از نظر اقتصادی با دشواری‌ها و سختی‌هایی روبه‌رو هستند و مشکلات اقتصادی منشا چالش‌هایی در زندگی عادی آنها شده است. مبلغ انقلابی در فعالیت‌های تبیینی و تبلیغی، با مردم عادی در ارتباط است و نمی‌تواند بدون توجه به شرایط زندگی مردم با آنها مخاطب داشته باشد. رساندن سخن جمهوری اسلامی در میانه مشکلات اقتصادی و اجتماعی که مردم با آن رو به‌رو هستند، با اختلال‌هایی رو به‌رو می‌شود.

کارآمدی مسیری که جمهوری اسلامی در حال طی کردن است، برای بخش‌هایی از مردم جامعه دچار ابهام است. این بخش از جامعه، احساس می‌کنند که چالش‌هایی که در زندگی شخصی خود با آن رو به‌رو هستند، هزینه‌ای است که به خاطر سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی به آنها تحمیل شده است. مهم‌تر از آن، آینده روشنی هم در قبال سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی پیش روی خود نمی‌بینند. پیامد این ذهنیت نوعی یاس و ناامیدی

از روند تحولات کشور است که برخی را به سمت مهاجرت سوق می‌دهد، برخی را به سمت سکون و سکوت و عدم مشارکت سیاسی در فرآیندهای حاکمیتی (از جمله انتخابات) سوق می‌دهد و برخی هم زبان به اعتراض باز می‌کنند و حتی به سمت پرخاش و خشونت با حاکمیت کشیده می‌شوند. غیر از این، بخش‌هایی از جامعه که با سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی همراه هستند، لزوماً کلیت روند تحولات کشور را معنادار نمی‌یابند؛ یعنی باورمندان به جمهوری اسلامی نیز، اگرچه احساس عمومی خوبی نسبت به روند تحولات کشور دارند، اما زبان رسا و توضیح کلان‌نگرانه درخوری برای روایت مسیری که جمهوری اسلامی به سمت افق‌های آینده طی می‌کند، ندارند.

### **ریشه این وضعیت چیست؟**

ریشه این ذهنیت‌ها از یک جهت به نواقصی که در حکمرانی جمهوری اسلامی وجود دارد، برمی‌گردد و نمی‌توان کتمان کرد که به هر حال، تدبیرهایی که از سوی کارگزاران اقتصادی کشور اتخاذ می‌شود، منشا بخش مهمی از چالش‌های اقتصادی ماست. از سوی دیگر، در شرایطی که شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های دشمنان برای بخش‌هایی از مردم ایران مرجعیت یافته است،

ذهنیت مردم زیر ضرب این رسانه‌هاست. در این وضعیت، روایت مردم ایران از وضعیت امروزشان چیزی جز شکست و بدبختی نیست و افقی جز سیاهی پیش روی خود نمی‌بیند. سبک زندگی مردم نیز که تحت تاثیر الگوهای توسعه غربی، خلاهای نظام تربیتی و رسانه‌های جمعی شکل گرفته است، در ذهنیت آن‌ها تاثیر داشته است. یعنی سبک زندگی نهادینه شده در جامعه، ذهنیت منفی نسبت به جمهوری اسلامی را تشدید می‌کند.

### برای تغییر این وضعیت چه باید کرد؟

به طور کلی برای تغییر این وضعیت و ذهنیت جامعه دو راه کلی پیش روی جمهوری اسلامی است؛ تحوّل و تبیین. از یک سو باید تحوّل و اصلاح در حکمرانی پدید آید و به سمت یک اقتصاد قوی حرکت کنیم، از سوی دیگر، باید در برابر امواج شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های دشمنان، روایت صحیح را تبیین کرد. تحوّل و تبیین دو بال حرکت نیروهای انقلاب اسلامی در وضعیت بغرنج کنونی است. اما رابطه و نسبت بین تحوّل و تبیین چیست؟ در این رابطه با طیف متنوعی از دیدگاه‌ها روبه‌رو هستیم:

- برخی معتقد هستند که مادامی‌که تحوّل در حکمرانی پدید نیاید و وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم بهبود نیابد، امکان

تبیین وجود ندارد و نمی‌توان با مردم سخن گفت. مردمی که منتقد حکمرانی باشند و کارآمدی حکمرانی را در زندگی‌شان احساس نکنند، به تبیین دل نمی‌دهند و با تبیین همراهی نمی‌کنند؛

- برخی در نقطه مقابل، معتقد هستند که روایت‌سازی رسانه‌ای به شکلی است که هر تحوّل مثبتی هم در واقعیت رخ دهد، روایت واقعیت می‌تواند به شکلی معکوس در ذهنیت مردم رقم بخورد؛ همچنان‌که بخش‌هایی از جامعه، از تحوّل‌ات مثبتی که در حال رقم خوردن است، احساس افتخارآمیزی ندارند. به همین دلیل، مادامی‌که با تبیین امید و اعتماد عمومی احیا نشود، نمی‌توان مسیر تحوّل را پیگیری کرد.

دیدگاه دوّم با ماموریت و منزلت سازمان تبلیغات اسلامی در تقسیم کار ملّی پیشرفت جمهوری اسلامی سنخیت بیشتری دارد. منتها می‌توان دیدگاه سوّمی را نیز مطرح کرد که ماموریت تبیینی سازمان تبلیغات را در نسبت با تحوّل حکمرانی بهتر روشن کند. تحوّل یک امر اجتماعی است؛ یعنی مادامی‌که ذهنیت و عُرف عمومی مردم نسبت به یک تحوّل اجتماعی سوق داده نشود، تحوّل‌ات اساسی واقع نمی‌شود. از این دریچه، حتّی اگر در صدد تحوّل در حکمرانی باشیم، باید به تبیین اهتمام داشته باشیم. این مسئله زمانی حادث‌تر می‌شود که بدانیم تحوّل‌خواهی در

کشور مدعیانی دارد؛ یعنی افزون بر دیدگاه انقلابی به تحوّل، دیدگاه‌های غرب‌گرا نیز داعیه‌دار تحوّل حکمرانی هستند. از یک سو توسعه‌گرایان غرب‌گرا با الگوهای توسعه غربی تمّای اصلاح حکمرانی را دارند و از سوی دیگر، باورمندان به گفتمان انقلاب اسلامی، با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در صدد تحوّل حکمرانی هستند. در این شرایط، تشخیص راه از بیراهه، خود نیازمند تبیین است و اگر تبیین درستی از پیشرفت موردنظر جمهوری اسلامی صورت نپذیرد، تحول‌گرایی سمت و سوی درستی پیدا نمی‌کند.

بر اساس توضیحات ارائه‌شده، ریشه ذهنیت‌های ناصحیح نسبت به جمهوری اسلامی را به هر عاملی مربوط بدانیم، راهبرد اساسی برای تغییر وضعیت، چیزی جز تبیین نیست. نیروهای تبلیغی کشور می‌بایست روند تحوّل‌ات و وضعیت کنونی جمهوری اسلامی را به درستی برای مردم کشور معنادار کند، تا ذهنیت‌ها نسبت به کارآمدی و آینده جمهوری اسلامی تصحیح شود. ذهنیت صحیح آحاد جامعه می‌تواند سرمایه اجتماعی لازم را برای تحوّل حکمرانی به سمت بهبود وضعیت زندگی مردم نیز تأمین کند.

## ■ گفتمان مقاومت چه نسبتی با زندگی مردم ایران دارد؟

ما بنا نداریم که مقاومت را به عنوان یک پیشنهاد به مردم ایران ارایه کنیم و از آن‌ها دعوت کنیم که با نظریه مقاومت همراهی کنند؛ مقاومت یک وضعیت است که با زندگی مردم ایران عجین است. تبیین نظریه مقاومت، معنادار کردن زیست اجتماعی مردم ایران برای آن‌ها است. تبیین مقاومت برای مردم ایران، یعنی مردم ایران نسبت به ابعاد مختلف ایده‌ای که پیشران آن در جهان هستند، خودآگاه بشوند. وضعیت مقاومت چیست که مردم ایران را مصداقی از آن و پیشران آن می‌دانیم؟

جمهوری اسلامی ایران، در حال حاضر از مرحله نظام اسلامی عبور کرده است و در تمثای رسیدن به مرحله دولت اسلامی است و تا دستیابی به مرحله تمدن فاصله بسیاری دارد. تنها تمدنی که امروز در جهان حضور دارد و قدرتی جهانشمول است، تمدن غرب به رهبری آمریکا است. اگرچه قدرت آمریکا رو به زوال و افول است، اما هنوز قدرت تهاجمی تمدن غرب سیاست، فرهنگ و اقتصاد جوامع را تحت شعاع خود دارد. جمهوری اسلامی ایران در تلاش است مسیر حرکت خود به سمت ایجاد تمدن نوین اسلامی در منطقه غرب آسیا را پیش ببرد، منتها با وضعیت تمدنی راه بسیاری دارد. در حال حاضر، جمهوری اسلامی یک نظام

سیاسی قدرتمند در درونِ یک تمدن ناهمسو است؛ یک نظام سیاسی در درون نظم جهانی غرب محور، که از یک طرف در درون این نظم قرار دارد و از سوی دیگر این نظم را به چالش می‌کشد و در صدد است نظم جدیدی را برپا نماید.

وضعیتی که جمهوری اسلامی ایران در آن به سر می‌برد، اگرچه با حرکت و پیشروی همراه است، اما وضعیتِ تمدنی نیست و نسبت به قدرت تمدنی غرب، دستِ برتر را ندارد. با این حال، در درونِ قدرت تمدنی غرب هضم نشده است و موجودیتِ ضعیفی نیست که اقتضائات تمدنی غرب را بپذیرد. وضعیت جمهوری اسلامی ایران در نسبت با تمدن غرب، نه کاملاً تهاجمی است و نه کاملاً تدافعی؛ از یک سو حرکت و پیشروی دارد و از یک سو از خودش در برابر قدرت تمدنی غرب صیانت و پاسداری می‌کند. این وضعیت بینابینی که جمهوری اسلامی در آن به سر می‌برد، وضعیت مقاومت است؛ وضعیتی که در آن یک نظام سیاسی در درون نظم جهانی ناهمسو، خودش را در برابر هاضمه تمدنی غرب حفظ می‌کند و همزمان در حال پیشروی است.

این حالتِ بینابین و پیچیده با زندگی مردم ایران گره خورده است؛ مردم ایران از یک طرف با موانع و اختلال‌ها و اعوجاج‌هایی در زندگی خود مواجه می‌شوند که متأثر از نپذیرفتن قواعد و

مناسبات نظم جهانی است و از سوی دیگر پیشرفت و اقتدار ملی را در درون همین نظم جهانی را می‌بینند. فهرست بلندی از فتوحات و دستاوردها با مجموعه‌ای از دشواری‌ها و سختی‌ها و ناملايمات و محرومیت‌ها همراه شده است. توامانی رنج و بلا و سختی با فتح و ظفر و پیروزی، برآورد مردم ایران از وضعیت امروزشان و تصویرشان از افق آینده کشور را با ابهاماتی مواجه کرده است. آیا این وضعیت پیچیده به سمت به سمت فروپاشی و اضمحلال است یا به سمت یک آینده روشن؟ وضعیت مقاومت اگر به درستی برای مردم ایران معنا شود، هم تحلیل امیدوارانه‌ای از امروز خود خواهند داشت و هم افق روشنی از آینده خود.

از سوی دیگر نسبت جامعه ایران با مسأله مقاومت یک نسبت هویتی است، مقاومت برای ما یک دارایی هویتی است. ارزشمندترین، باثبات‌ترین، عمیق‌ترین دارایی‌هایی که يك انسان یا يك قوم يك ملت دارند، دارایی‌های هویتی‌شان است که کیستی آنها را معنا می‌کند. این دارائی‌ها را به راحتی نمی‌شود گرفت؛ در مواردی اصلاً نمی‌شود گرفت، این دارایی‌هاست که برای انسان‌ها فرهنگ می‌سازد، فرهنگ ما مبتنی بر هویت ماست. این دارایی‌ها است که برای آدم‌ها رفتار می‌سازد برای آدم‌ها ثبات ایجاد می‌کند حتی برای آدم‌ها تعهد دینی ایجاد می‌کند. هویت، خودآگاهی شما

نسبت به خودتان هست که شما کی هستی و چه فهم و تعریفی از خودت و اختصاصات خودت داری. اگر دارایی‌های هویتی مردم را مقابل چشمشان بیاوریم و ایشان را نسبت به دارائی‌هایشان خودآگاه کنیم، عزم جدی برای شروع حرکت ایجاد می‌کند. منابع انسانی مان جزو هویت مان نیست ولی همان منابع انسانی، آن نخبگانی که دارند حرکت می‌کنند و محدودیت‌ها را کنار می‌زنند و مسیر را باز می‌کنند، بر اساس هویتی است که در خود درک می‌کنند. آن هویت مهم است. نه فقط این سطح استعداد. نخبه ما می‌تواند بگوید اینجا از من استفاده نمی‌شود و مهاجرت کند. هویت ملی اوست که او را در کشور نگه می‌دارد و او در میان مشکلات و محدودیت‌ها، می‌ایستد و کار می‌کند.

مردم ایران، مردم مقاومی هستند و با نگاهی به گذشته، به وضوح می‌توان دریافت که در فراز و نشیب تاریخ، مقاومت همواره یکی از ویژگی‌های بارز این مردم بوده است. باید روی این ویژگی هویتی یعنی اهل مقاومت بودن مردم ایران تمرکز کنیم و این را به مردم نشان بدهیم که شما اصلاً ساختار وجودیتان این‌گونه است. آدم‌های مقاومی هستید و این مقاومت هست که رمز بقای شما تا الان بوده و قطعاً مسیر خوشبختی‌تان در آینده است.

با این نگاه به ایده مقاومت، مقاومت دیگر مفهومی

ماجراجویانه و مبتنی بر اعتقادات خاص نیست بلکه حرکت مستمر توقف ناپذیر به سمت اهداف، روش رسیدن به هر خواسته بزرگ و ارزشمند است. مقاومت، مسیر خوشبختی است و فرمول موفقیت در زندگی فردی انسان‌ها نیز همین مقاومت است. در واقع ما این اندیشه را از قوانین حرکت در عالم و از سنت‌های الهی در اداره عالم اتخاذ کرده‌ایم. پس مقاومت، از اصول سعادت‌آحاد و امت‌هاست و مفهومی زندگی‌گرا دارد.

## ■ آیا واژه مقاومت در ذهنیت جامعه بار منفی دارد؟

واژه مقاومت چون در برخی تفسیرهای غلط با نوعی ریاضت‌کشی و ایستایی و سکون معنا شده، در ذهنیت بخشی از جامعه ایران بار منفی دارد. آیا با توجه به ذهنیت جاافتاده از واژه مقاومت، بهتر نیست به این مفهوم در ادبیات تبلیغی و تبیینی کشور میدان داده نشود؟ آیا گسترش و ترویج این مفهوم در جامعه با پیامد اجتماعی منفی همراه نخواهد بود؟

در مقابل این پرسش، یک پاسخ می‌تواند این باشد که مضمون مقاومت را به هر روی باید با جامعه در میان گذاشت، ولو نام مقاومت را بخواهیم بر زبان نیاوریم. وضعیت مقاومت، وضعیتی

واقعی است و نمی‌توان واقعیت را نادیده گرفت و واژه‌سازی کرد. در سال‌های ابتدایی رهبر بزرگوار انقلاب، واژه اقتصاد مقاومتی را مطرح کردند، یکی از دانشجویان خطاب به ایشان، واژه اقتصاد تهاجمی را پیشنهاد داد تا جنبه ایجابی الگوی اقتصادی جمهوری اسلامی را بیشتر نشان بدهد. رهبری اگرچه با آن دانشجو مخالفت نکردند، لکن تلویحاً بر این امر تاکید کردند که به هر حال واژه‌سازی باید وضعیت فشار و تحریم و خصومت دشمن قدرتمند را نشان بدهد.

در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، اقتصاد تهاجمی را مطرح کردند؛ عیبی ندارد. بنده فکر اقتصاد تهاجمی را نکردم. اگر واقعاً یک تبیین دانشگاهی و آکادمیک نسبت به اقتصاد تهاجمی - به قول ایشان، مکمل اقتصاد مقاومتی - وجود دارد، چه اشکالی دارد؟ آن را هم مطرح کنیم. آنچه که به نظر ما رسیده، اقتصاد مقاومتی بوده. البته اقتصاد مقاومتی فقط جنبه‌ی نفی نیست؛ اینجور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد؛ نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفائی خودشان را داشته باشند. این

یک فکر است، یک مطالبه‌ی عمومی است. شما دانشجوی هستید، استاد هستید، اقتصاددان هستید؛ بسیار خوب، با زبان دانشگاهی، همین ایده‌ی اقتصاد مقاومتی را تبیین کنید؛ حدودش را مشخص کنید؛ یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنیها و خصومت‌های شدید میتواند تضمین‌کننده‌ی رشد و شکوفائی یک کشور باشد.<sup>۱</sup>

جعل هر واژه‌ای به عنوان جایگزین مقاومت بلاشکال است، ولی واژه‌سازی نباید به گونه‌ای باشد که واقعیت شرایط و وضعیت کشور را عادی و فارغ از تحریم و فشار و خصومت و دشمنی یک قدرت تمدنی نشان بدهد. عادی‌نمایی وضعیت جمهوری اسلامی در وضعیتی که یک نبرد خصمانه از سوی دشمن بر کشور تحمیل شده، راهبرد تبیینی مناسبی نیست و نتیجه عکس می‌دهد.

امروز در جهان واژه مقاومت می‌درخشد و جوانان و دانشجویان دانشگاه‌های آمریکایی و اروپایی، با مشاهده رخدادهایی که در غزه در جریان است، نسبت به وضعیت مقاومت حس مثبت و مطلوبی دارند. واکنش‌های خوبی که

در جهان نسبت به مقاومت شکل گرفته است، نشان می‌دهد که زمینه‌های فطری و انسانی برای طرح درست مفهوم مقاومت وجود دارد. این‌که تحت تاثیر عوامل جامعه‌شناختی، بخشی از مردم ایران از مفهوم مقاومت سرزندگی و نشاط و پویایی و پیشروی را احساس نمی‌کنند، باید ریشه‌اش را در خلاها و چالش‌های تبیینی و تبلیغی کشور جستجو کرد. متأسفانه در میدان درگیری‌های سیاسی کشور، خوانش و تفسیر درستی در ذهنیت مردم شکل نگرفت و متولیان تبلیغ و تبیین، برنامه جامعی برای اصلاح ادراک جامعه نسبت به این مفهوم در پیش نگرفتند. این چالش منحصر در واژه مقاومت نیست و سایر واژگان و شعارهای فطری انقلاب اسلامی نیز در معرض چنین تهدیدی هستند. شعارهایی همچون استقلال، خودکفایی، عدالت و ... نیز در معرض تفسیرهای ناروایی بوده‌اند که بخش‌هایی از جامعه ایران، علیرغم علقه‌های فطری و انسانی و ملی، حس مثبتی نسبت به آن ندارند. بر این اساس، رسالت و مأموریت نهاد تبیین جمهوری اسلامی ویروس‌زدایی و اصلاح ادراک جامعه نسبت به ایده و مفهوم مقاومت است؛ در روزگاری که جهان، ایران را با این مفهوم می‌شناسد.

## ■ آیا صرفاً با بیان دستاوردهای مقاومت، نمی‌توان گفتمان مقاومت را تبیین کرد؟

یک دیدگاه در طرح گفتمان مقاومت می‌تواند این باشد که به دستاوردهایی که الگوی مقاومت برای جمهوری اسلامی ایران در پی داشته اشاره کنیم، ولی به مفهوم و نظریه مقاومت به صورت مستقیم نپردازیم. در صورت پرداختن به دستاوردها و نتایج الگوی مقاومت، بدون این‌که به مفهوم و نظریه مقاومت بپردازیم، با چه چالش‌هایی رو به رو می‌شویم؟ به طور کلی در مورد روایت پیشرفت جمهوری اسلامی دو دیدگاه وجود دارد:

یک دیدگاه معتقد است که اگر دستاوردها و نتایج پیشرفت جمهوری اسلامی را در قالب تعداد کثیری از خرده روایت به جامعه ارایه نماییم، کثرت این خرده‌روایت‌ها، ذهنیت جامعه ایران را نسبت به پیشرفت ایران متذکر می‌سازد.

دیدگاه دیگر این است که خرده‌روایت‌های پیشرفت باید در درون یک نظام معنایی کلان‌تر که کلان‌روایت پیشرفت است، قرار گیرد تا معنادار شود و جامعه با آن بهتر ارتباط برقرار نماید.

دیدگاه دوم آسیب‌شناسی‌اش از تبیین دستاوردها و موفقیت‌های جمهوری اسلامی این است که مجموعه‌ای از موفقیت‌های خرد کشور در بخش‌های علمی و اقتصادی و عمرانی و ...، چون در

درونِ یک تصویر ماهواره‌ای و کلان از روند حرکت جمهوری اسلامی جانمایی نمی‌شود، به همین دلیل، حس معناداری به مخاطب القا نمی‌کند. بر همین اساس، اگر نظریه مقاومت به عنوان یک کلان‌روایت برای جامعه ایران تبیین نشود، صرفِ بیانِ دستاوردها آن نتیجه موردنظر را تأمین نمی‌نماید.

## ■ آیا در ادبیات رهبرانقلاب، زمانه گفتمان مقاومت به سرآمده است؟

ردپای مفهوم مقاومت و استقامت در بیانات رهبری، محدود به سال‌های اخیر و حتی دهه‌های اخیر نیست و سابقه مطرح مضامین مرتبط با آن، حتی قبل از وقوع انقلاب اسلامی در بیانات رهبری قابل جستجو است. منتها بنا به دلایلی که مجال طرح آن در این نوشتار نیست، واژه مقاومت با تأکید ویژه‌ای طی سال‌های اخیر از سوی ایشان مطرح شده است و صراحتاً تبیین آن را مطالبه کرده‌اند. مهمترین و صریح‌ترین مطالبه مربوط به دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان در سال ۱۳۹۷ است که فرمودند:

نظریه‌ی مقاومت در مقابلِ دشمنِ قوی‌پنجه را تبلیغ کنید، ترویج کنید. بعضی تصوّر نکنند که چون دشمن

بمب دارد، موشک دارد، دستگاه‌های تبلیغاتی دارد و از این قبیل، ما عقب‌نشینی [کنیم]؛ نخیر، نظریه‌ی مقاومت، یک نظریه‌ی اصیل و درست است؛ هم در مقام نظر، هم در مقام عمل؛ از لحاظ نظری و از لحاظ عملی - از هر دو جهت - باید [ترویج شود]. معنای نظری این است که تبیین کنید. شما جوانها خیلی خوب میتوانید این نظریه‌ی مقاومت را تبیین کنید؛ هم در بین خودتان و هم محیطی که در آنجا قرار دارید و هم حتی در ارتباط با کشورهای دیگر و جوانهای دیگر. نظریه‌ی مقاومت را، این را که هدف استکبار سیطره است، هدف استکبار سلطه است، سلطه‌ی بر ملت‌ها است، برای همه تبیین کنید، بدانند که هدف استکبار این است.<sup>۱</sup>

پس از این مطالبه، در سال بعد (۱۳۹۸)، در سی‌امین سالگرد ارتحال امام خمینی، خود به تبیین ابعاد و مولفه‌های مختلف مقاومت پرداختند و به طور خاص تاکید کردند که آن چیزی که اجزای اندیشه و عمل امام خمینی را به صورت یک مکتب درآورد، اندیشه مقاومت بود.

---

۱. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۷/۰۸/۱۲

یک خصوصیت از خصوصیات امام هست که بنده امروز درباره‌ی آن بیشتر می‌خواهم صحبت کنم و آن، خصوصیت مقاومت است؛ مقاومت، ایستادگی. آن چیزی که امام را در هیئت یک مکتب، یک اندیشه، یک تفکر، یک راه، مطرح کرد برای زمان خود و در تاریخ، بیشتر این خصوصیت بود؛ خصوصیت ایستادگی، مقاومت، عدم تسلیم در مقابل مشکلات و موانع. در برابر طاغوتها امام مقاومت خودش را به رخ همی دنیا کشید؛ چه طاغوت داخل در دوران مبارزات که خیلی‌ها خسته شدند، خیلی‌ها مشرف به ناامیدی شدند اما امام محکم ایستاد، امام بدون ذره‌ای عقب‌نشینی در راه مبارزه ایستاد؛ که این مال دوران قبل از پیروزی انقلاب بود. و بعد از پیروزی انقلاب هم فشارها از نوع دیگر و به صورت همه‌جانبه‌تر در مقابل امام ظاهر شد. [اما] امام باز هم اصل مقاومت را، ایستادگی را از دست نهاد، مقاومت کرد. بنده وقتی به این خصوصیت امام نگاه میکنم و به آیات قرآن مراجعه میکنم، میبینم امام حقیقتاً بسیاری از آیات قرآن را با همین ایستادگی خود و مقاومت خود معنا کرد. فرض بفرمایید اینکه قرآن میفرماید فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ، تهدید و تطمیع و

فریب در امام اثر نگذاشت؛ نه اینکه تهدید نکردند یا تطمیع نکردند یا به فریب متصل نشدند؛ چرا، [اما] در امام مطلقاً اثر نمیگذاشت، ایستادگی او را مخدوش نمیکرد. مهم این است که تلاش دشمن و تهدید دشمن نمیتوانست دستگاه محاسباتی امام را به هم بریزد؛ چون یکی از کارهای مهم دشمنان همین است: با شما که مواجه میشود، نیت شما را که میداند، تصمیم شما را که میداند، در صدد برمی آید کاری کند تا محاسبات شما عوض بشود، دستگاه محاسباتی شما را دچار اختلال کند؛ یکی از کارهای مهم دشمنی در عرصه‌های گوناگون این است. دشمن نمیتوانست دستگاه محاسباتی امام بزرگوار را که به بینات دین مبین اسلام متکی بود، دچار اختلال بکند!

دو سال بعد (۱۴۰۰)، در پیام حج، مقاومت را به مثابه همه سخن جمهوری اسلامی ایران خطاب به جهان اسلام مطرح کردند و به این نکته اشاره کردند که استکبار به عنوان مقاومت حساسیت دارد.

ملت‌های ما، جوانان ما، دانشمندان ما، علمای دینی و

روشنفکران مدنی ما، سیاست‌ورزان و احزاب و جمعیت‌های ما، امروز باید آن گذشته‌ی بی‌افتخار و شرم‌آور را جبران کنند؛ باید بایستند و در برابر زورگویی و دخالت و شرارت قدرتهای غربی مقاومت کنند. همه‌ی سخن جمهوری اسلامی ایران که دنیای استکبار را نگران و خشمگین کرده است، دعوت به این مقاومت است: مقاومت در برابر دخالت و شرارت آمریکا و دیگر قدرتهای متجاوز و به دست گرفتن سررشته‌ی آینده‌ی دنیای اسلام با تکیه بر معارف اسلامی. طبیعتاً آمریکا و همراهانش در برابر عنوان مقاومت دچار حساسیتند و به انواع دشمنی با جبهه‌ی مقاومت اسلامی کمر بسته‌اند. همراهی برخی از دولتهای منطقه با آنان نیز واقعیت تلخی در جهت تداوم آن شرارتها است.<sup>۱</sup>

سال بعد (۱۴۰۱) ضمن اشاره به این نکته که یکی از امتیازات برجسته امام خمینی، آشنا کردن ملت ایران با مفهوم مقاومت بود، بر این نکته تاکید کردند که امروز مقاومت به یک واژه برجسته در ادبیات سیاسی دنیا تبدیل شده است.

یک امتیاز بزرگ امام این بود که ملت را با مفهوم

---

۱. پیام به مناسبت فرارسیدن ایام حج ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

مقاومت آشنا کرد. ملت‌ها در موارد زیادی اتفاق می‌افتد که دنبال یک کاری هم هستند اما قدرت مقاومت ندارند؛ وقتی فشار وارد می‌آید، عقب‌نشینی میکنند. امام ملت ایران را، این جوری بار آورد، این جوری تقویت کرد: مقاومت را، ایستادگی را به این ملت تزریق کرد؛ لذا ملت ایران امروز یک ملت کاملاً مقاوم و کاملاً مستحکم است. خدا را شکر! این هم از برکات امام بزرگوار است و عنوان مقاومت امروز در ادبیات سیاسی دنیا وارد شده؛ این مقاومتی که امام به ملت ایران و به همه‌ی ما یاد داد، امروز یکی از واژه‌های برجسته‌ی در ادبیات سیاسی دنیا است.<sup>۱</sup>

در همین سال و در همین راستا، در شرایطی که مناقشه‌های سیاسی و نظامی روسیه و اوکراین، نشانه‌های تغییر نظم جهانی را نمودار ساخته بود، سه کلان‌روندهای در تحوّل نظم جهانی را برشمردند که یکی از آنها گسترش فکر مقاومت در جهان بود. در ضمن بیان این نکته، بر این تاکید کردند که فکر مقاومت، ایده ابتکاری جمهوری اسلامی است.

نقطه‌ی سوّم، [یعنی] آن خطّ اساسی سوّم: فکر مقاومت

---

۱. بیانات در مراسم سی‌وسومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام ۱۴۰۱/۰۳/۱۴

و جبهه‌ی مقاومت در مقابل زورگویی گسترش خواهد یافت، که مبتکرش جمهوری اسلامی است... این روحیه‌ی مقاومت در مقابل زورگویی و قدرت‌طلبی و سلطه‌طلبی قدرتهای سلطه‌گر را جمهوری اسلامی به وجود آورد. اوّل کسی که در دنیا گفت نه شرقی و نه غربی امام بزرگوار ما بود؛ نه شرقی و نه غربی. آن روز قدرت دنیا تقسیم شده بود بین آمریکا و شوروی. ایشان فرمود: نه این، نه آن. همه‌ی کشورهای دنیا مجبور بودند یا متصل به این باشند یا متّصل به آن باشند؛ ناچار میدانستند خودشان را، [اما] ایشان گفت که نه این، نه آن. این روحیه، این منطق، این حرف قرص و محکم رواج پیدا کرده. امروز در منطقه‌ی ما خیلی‌ها هستند که خودشان را وابسته به جبهه‌ی مقاومت میدانند، اهل مقاومتند، معتقد به مقاومتند و مقاومت هم میکنند و در موارد بسیاری نتیجه هم میگیرند، مثل همین نتیجه‌ای که لبنانی‌ها به برکت حزب‌الله در قضیه‌ی تقسیم خطوط گازی گرفتند. من سه مورد از خطوط اساسی را گفتم: انزوای آمریکا، انتقال قدرت به آسیا، گسترش جبهه‌ی مقاومت و منطق مقاومت.<sup>۱</sup>

این بیان رهبری نشان می‌دهد که مقاومت، آن نظریه و منطقی است که جمهوری اسلامی ایران هم در مخاطب با جهان اسلام و هم در مخاطب با جهان آن را می‌تواند بر سر دست گیرد و به عنوان ابتکار و سخن نوی انقلاب اسلامی مطرح نماید. این مطلب، ضرورت تبیین اندیشه مقاومت در کشور را مضاعف می‌نماید.

## فصل دوم

# معنا و منظور از مقاومت چیست؟

## ■ چه معنایی از مقاومت در ذهنیت جامعه جافتاده است؟

در ذهنیت جامعه ایران یا حداقل بخشی از مردم ایران، شنیدن واژه مقاومت معانی خاصی را متبادر می‌کند. به محض شنیدن واژه‌ی مقاومت، برداشت‌های خاصی در افکار عمومی شکل می‌گیرد. برای انجام مأموریت تبیینی درباره‌ی مقاومت، ابتدا باید ذهنیت جافتاده را شناخت. برداشتی که بیش از یک دهه در ذهنیت جامعه ایران سابقه دارد و در پی حوادث بیداری اسلامی شکل گرفت، جغرافیامحور است. یکی واژه‌ی مقاومت به کشورها و گروه‌هایی در منطقه غرب آسیا اشاره دارد و مردم با شنیدن واژه‌ی مقاومت به یاد این مجموعه می‌افتند. عباراتی همچون محور

مقاومت، جبهه مقاومت و خط مقاومت این فهم از مقاومت را بازتاب می‌دهد که به طور خاص به گروه‌ها و هسته‌های مقاومت اسلامی در لبنان، سوریه، عراق، یمن و فلسطین اشاره دارد. این عبارت‌ها از زمانی جدی و پرتکرار شدند که دشمن با ایجاد انحراف در بیداری اسلامی، حکومت سوریه را که حلقه وصل زنجیره مقاومت در منطقه بود، نشانه گرفتند.

واقعیت مسئله‌ی سوریه این است که جبهه استکبار قصد دارد حلقه‌ی وصل زنجیره‌ی مقاومت در منطقه را که در همسایگی رژیم غاصب صهیونیستی قرار دارد، نابود کند!

از آن زمان - یعنی از ابتدای دهه نود شمسی تا کنون - که جریان مقاومت اسلامی در چند کشور منطقه غرب آسیا به عنوان یک مجموعه‌ی به هم‌پوسته فهمیده می‌شوند، واژه‌های جبهه مقاومت و محور مقاومت بیشتر سر زبان‌ها افتاده است و در نتیجه، مردم نیز وقتی عنوان مقاومت را می‌شنوند، به یاد گروه‌های مقاومت اسلامی در کشورهای یادشده می‌افتند. این برداشت یکی از معنای جاافتاده در ذهنیت بخش‌هایی از مردم درباره

---

۱. بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره بزرگداشت میرزا کوچک‌خان جنگلی ۱۳۹۱/۰۸/۲۹

مقاومت است. یعنی اگر از مردم پرسیده شود، مقاومت چیست؟، در پاسخ نام گروه‌های مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین و عراق و یمن و حکومت سوریه را ذکر خواهند کرد. این برداشت اگرچه برداشت صحیحی است ولی ناکامل و ناکافی و دارای پیامدهایی است. یکی از پیامدهای این برداشت در ذهن مردم این است که مفهوم مقاومت را اتّفاقی بیرون از مرزهای ایران می‌انگارند که از نظر سیاسی و نظامی با موجودیت جمهوری اسلامی مرتبط است. جامعه ایران در این تفسیر، مقاومت را با زیستن خود در ایران مرتبط نمی‌داند و مقاومت را از آن خود نمی‌داند.

## ■ چه برداشت‌های غلطی از مقاومت در جامعه مطرح است؟

غیر از تعبیر جریان‌ی و جغرافیای سیاسی، برداشت دیگری که در ذهنیت بخش‌هایی از مردم ایران درباره واژه مقاومت جاافتاده است، تحت تاثیر عبارت اقتصاد مقاومتی است. عبارت اقتصاد مقاومتی نیز قبل از دهه نود شمسی سابقه نداشته است و به طور خاص پس از تحریم‌های اقتصادی در ابتدای دهه نود شمسی مطرح شد. سختی‌ها و دشواری‌ها و محدودیت‌هایی که در پی

تحریم بر کشور تحمیل شد، ذهنیت‌های غلطی را نه فقط در بخشی از مردم، که حتی در بخشی از کارگزاران نظام در پی داشت. یکی از برداشت‌ها تشبیه وضعیت جمهوری اسلامی با شعب ابی طالب بود که رهبری در نخستین سال‌های تحریم اقتصادی، ضمن ارجاع این برداشت به دشمن، به شدت چنین تلقی را غلط دانستند.

یک روز در صدر اسلام، دشمنان به نظرشان رسید که با شعب ابی‌طالب و محاصره‌ی اقتصادی مسلمان‌ها، آن‌ها را از پا بیندازند؛ اما نتوانستند. این روسیاه‌های بدمحاسبه‌گر خیال می‌کنند ما امروز در شرائط شعب ابی‌طالبیم. اینجور نیست. ما امروز در شرائط شعب ابی‌طالب نیستیم؛ ما در شرائط بدر و خیبریم. ما در شرائطی هستیم که ملت ما نشانه‌های پیروزی را به چشم دیده است؛ به آن‌ها نزدیک شده است؛ به بسیاری از مراحل پیروزی، با سرافرازی دست پیدا کرده است. امروز مردم ما را از محاصره‌ی اقتصادی می‌ترسانند؟ با این حرف‌ها، با این ترفندها می‌خواهند مردم را از صحنه بیرون کنند؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ امروز می‌خواهند در اراده‌ی مسئولین اختلال ایجاد کنند؟ قل هذه سیبلی ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی؛ این

راهی است که با بصیرت انتخاب شده است، این راهی است که با مجاهدت باز شده است، این راهی است که با خون عزیزترین‌ها هموار شده است. ما از این راه رفتیم، به قلعه‌هائی هم دست پیدا کردیم. ما متوقف نمی‌شویم، ان‌شاءالله پیش می‌رویم؛ ولی تا امروز هم به قلعه‌های بسیاری دست پیدا کرده‌ایم. جمهوری اسلامی، امروز کجا، بیست سال و سی سال قبل کجا؟ دشمنان جمهوری اسلامی، هیمنه و باد و بروت آن روزشان کجا، ضعف و انکسار امروزشان کجا؟ این‌ها نشانه‌هائی است که ملت ایران را تشویق می‌کند. نخیر، در ادامه‌ی راه اسلام - که راه خداست، راه دین است، راه سعادت دنیا و آخرت است - اراده‌ی مسئولین همچنان مستحکم خواهد ماند؛ مردم هم امروز و در آینده، پای ثابت این حرکت عظیم خواهند بود.<sup>۱</sup>

تفسیرهای غلطی نیز نسبت به مقوله مقاومت اقتصادی شکل گرفت که رهبری چند بار در مورد آن تذکراتی را مطرح کردند. اقتصاد مقاومتی به معنای ریاضت اقتصادی نیست، به

معنای در لاک خود رفتن نیست؛ يك معنای کاملاً معقول‌تر و عمیق‌تری دارد که قابل فهم و قابل دفاع است؛ و علاج هم همین است؛ ما باید بتوانیم يك اقتصادی را در کشور به وجود بیاوریم که در مقابل بحران‌ها و جزرومدهای بین‌المللی مقاوم باشد، آسیب نبیند؛ این لازم است.<sup>۱</sup>

ما به مردم نمی‌گوییم که ریاضت بکشند؛ این جور گاهی بعضی‌ها القا می‌کنند. بعد از آن که سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغ شد، هنوز مرکب آن خشک نشده، یک عده‌ای شروع کردند که این‌ها دارند مردم را به ریاضت دعوت می‌کنند؛ نه، به هیچ وجه این جور نیست، بلکه بعکس است؛ ما معتقدیم که اگر این سیاست اعمال بشود، وضع مردم بهتر خواهد شد، طبقات ضعیف گشایش پیدا خواهند کرد. در کشوری که تورم در حد مطلوب باشد، اشتغال در حد مطلوب باشد، آن‌جا عموم مردم در راحتی و آسایش و رفاه زندگی خواهند کرد. ما به هیچ وجه به مردم نمی‌گوییم ریاضت [بکشند] ما می‌گوییم ریخت و پاش نباشد؛ مصرف کردن یک حرف است،

---

۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۲/۰۶/۰۶

## بد مصرف کردن یک حرف دیگر است!

این سخنان رهبری نشان می‌دهد که یکی از تفسیرها و برداشت‌های جاافتاده از مقاومت، ریاضت‌کشی، در لاک خود فرورفتن و در جازدن است. در جای دیگری، باریشه‌یابی نگرش‌های تدافعی و انفعالی نسبت به مفهوم مقارمت و نقد این نگرش‌ها، مفهوم بازدارندگی را به عنوان یکی از معانی صحیح مطرح کردند.

ببینید، دولت مقاومت نه اهل تجاوز است، نه اهل سلطه‌طلبی و دست‌اندازی به ملّت‌ها و کشورها است، نه اهل فرو رفتن در لاک دفاعی و موضع انفعال است؛ هیچ‌کدام از این‌ها نیست. بعضی خیال می‌کنند اگر ما بخواهیم خودمان را از تهمت سلطه‌طلبی و اقتدارطلبی بین‌المللی و منطق‌های برکنار کنیم، باید برویم در لاک دفاعی؛ اینجوری نیست. در لاک دفاعی نمی‌رویم، در موضع انفعال قرار نمی‌گیریم، بلکه ما در موضع *وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ* به *عَدُوِّ اللّٰهِ وَ اَعِدُّوْكُمْ* قرار می‌گیریم. در موضعی قرار می‌گیریم که در این آیه شریفه از آن تعبیر شده است *بِه تُرْهَبُونَ* به *عَدُوِّ اللّٰهِ وَ*

عُدُوْكُمْ؛ رَهَبُونَ یعنی چه؟ تُرْهَبُونَ به همان چیزی است که در ادبیات سیاسی امروز به آن قدرت بازدارندگی می‌گویند. جمهوری اسلامی در جایگاهی قرار می‌گیرد که دارای قدرت بازدارندگی است؛ دارای اقتدار بازدارنده است؛ می‌خواهند این اقتدار نباشد!

در موارد دیگر، با اشاره به این که مفهوم صبر با مفهوم مقاومت قرابت دارد، معنای غلطی که می‌توان از صبر و مقاومت برداشت کرد را این‌گونه روایت کردند:

خداوند برای مقابله‌ی با دشمنی‌ها به پیغمبر دستورالعمل داد؛ از اول بعثت، خدای متعال پیغمبر را امر به صبر کرد. در سوره‌ی مَدْتَّر که جزو همان سوره‌های اَوَّل بعثت است، می‌فرماید: ولربک فاصبر؛ صبر کن برای خدای خودت. در سوره مزمل که آن هم جزو همان سوره‌های اَوَّل قرآن است، می‌فرماید که واصبر علی ما یقولون در جاهای دیگر قرآن هم مکرراً این معنا هست. در دو جا می‌فرماید: واستقم کما امرت؛ استقامت کن؛ هم در سوره هود هست، هم در سوره شوری هست. بنابراین، دستورالعمل وارد شده.

حالا صبر یعنی چه؟ صبر به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن و انتظار نتایج و حوادث را کشیدن نیست!

از دیگر برداشت‌های غلطی که در پی مناقشه‌های سیاسی دهه نود شمسی شکل گرفت، این بود که مقاومت به نوعی حصارکشی و بیرون افتادن از ارتباطات جهانی اشاره دارد. برخی جریان‌های سیاسی تلاش کردند این برداشت را به ذهنیت جامعه تحمیل کنند که مقاومت اقتصادی و ایده مقاومت که بر تکیه به توان داخلی اصرار دارد، نافی تعامل با دنیا است. رهبری در موارد متعددی این برداشت و این ذهنیت را رد کردند.

اقتصاد مقاومتی درون‌زا است. درون‌زا است یعنی چه؟ یعنی از دل ظرفیتهای خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان؛ درون‌زا به این معنا است. اما درعین حال درون‌گرا نیست؛ یعنی این اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور می‌کنیم و محدود می‌کنیم در خود کشور؛ نه، درون‌زا است، اما برون‌گرا است؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای

دیگر با قدرت مواجه میشود. بنابراین درون‌زا است، اما درون‌گرا نیست. اینها را که عرض میکنم، برای خاطر این است که در همین زمینه‌ها الان قلمها و زبانها و مغزهای مغرض، مشغول کارند که [القا کنند] بله، اینها میخواهند اقتصاد کشور را محدود کنند و در داخل محصور کنند. انواع و اقسام تحلیل‌ها را برای اینکه ملت را و مسئولان را از این راه - که راه سعادت است - جدا بکنند دارند میکنند. من عرض میکنم تا برای افکار عمومی مان روشن باشد!

راه مقابله‌ی با جنگ اقتصادی چیست؟ این است که ما در داخل به اقتصاد خودمان پردازیم. وقتی اقتصاد ما متکی بود، وابسته بود، مشکلات به وجود می‌آید. البته بنده عقیده ندارم به اینکه رابطه‌ی اقتصادی را از دنیا باید قطع کرد یا میتوان قطع کرد؛ معلوم است که نمیتوان؛ امروز همه‌ی دنیا به هم مربوط و متصل است اما تکیه‌ی به بیرون از مرزها غلط اندر غلط است؛ نباید تکیه کرد. بله، بروند با زرنگی، با تدبیر، با سیاست‌گذاری درست، با پیگیری صحیح، با جدیت، ارتباطات با دنیا [برقرار کنند]. دنیا بزرگ است؛ دنیا که فقط

آمریکا و چند کشور اروپایی نیست؛ دنیا خیلی وسیع است؛ برون‌ارتباطات را برقرار کنند به آن مقداری که لازم هست اما چشم ندوزند به هیچ نیروی خارجی!

من نمی‌گویم با دنیا قطع رابطه کنید، این اصلاً نظر بنده نیست. از اوّل انقلاب، بنده جزو آن آدمهایی بودم که اصرار داشتم بر ارتباط -ارتباط با اطراف دنیا- الان هم همان عقیده را دارم، لکن بحث من این است که ما پای قدرتمند و طبیعی خودمان را با عصای بیگانه عوض نکنیم. اینکه به جای اینکه روی پای خودمان بایستیم و به پای خودمان تکیه کنیم، به عصای بیگانه تکیه کنیم، خطا است. [البته مذاکره] در ارتباطات جهانی عیبی ندارد؛ اشکالی که من نسبت به مذاکرات هسته‌ای داشتم و دارم و مکرّر با خود مسئولین در جلسات خصوصی در خلوت و جلوت مطرح کردم، همین است: من می‌گویم اشکالی نداشت ما مذاکره کنیم، مذاکره اشکالی نداشت منتها در این مذاکره بایستی دقت و مراقبت لازم انجام می‌گرفت تا این جور نباشد که طرف مقابل، هر غلطی خواست بکند،

نقض برجام محسوب نشود [اما] ما اگر یک مختصر تکانی بخوریم، نقض برجام محسوب بشود! این خطا است، این نباید اتفاق می‌افتاد؛ این به خاطر عدم اتکاء و اعتنای به قدرت داخلی به وجود می‌آید، [به خاطر] اتکاء به طرف مقابل و عنصر خارجی، این حالت به وجود می‌آید. این را عرض میکنیم که به بیگانه نباید چشم دوخت، با دنیا باید کار بکنیم، حرفی نداریم، کار کردن با دنیا قهراً الزاماتی دارد، آن الزامات را هم قبول میکنیم و به دوش میگیریم، منتها تکیه‌ی به خارج نمیکنیم؛ چون دشمن ما در بیرون محیط جامعه و کشور ما زیاد است، یک جبهه‌ی دشمن در مقابل ما است. خب الحمدلله تا امروز ما به این جبهه ضربه زده‌ایم، [آن را] شکست داده‌ایم، عقب رانده‌ایم، بعد از این هم همین خواهد بود، لکن بدانیم که در مقابل ما یک نقطه‌ی دشمنی نیست، یک جبهه‌ی وسیع دشمنی است.<sup>۱</sup>

[از انگیزه‌ها و عوامل تهیه‌ی سیاستهای اقتصاد مقاومتی]، بحرانهای اقتصادی جهانی است؛ که البته اشاره

۱. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۶/۰۶/۳۰

کردم قبلاً که ناشی است از اقتصاد غرب و اقتصاد آمریکا؛ در اروپا هم در حقیقت سرریز مشکلات آمریکا [بود که] مشکلات را دامن زد، اگرچه زمینه‌ی آن وجود داشت؛ در جاهای دیگر هم همین جور. ما هم که نمیخواهیم دور خودمان حصار بکشیم؛ ما نمیتوانیم و نمیخواهیم که از لحاظ اقتصادی، ارتباطات را با دنیا قطع کنیم، نه ممکن است، نه مطلوب است، بنابراین تحت تأثیر اینها قرار میگیریم، پس باید مقاوم‌سازی کنیم.<sup>۱</sup>

همین تلقی غلط از اقتصاد مقاومتی، درباره مسئله خودکفایی نیز مطرح شده است. برخی جریان‌های غرب‌گرای داخلی، همواره اصرار داشته‌اند که خودکفایی را جوری روایت کنند که گویی جمهوری اسلامی می‌خواهد جریان دوسویه صادرات و واردات را به کلی نفی کند و مرادوه اقتصادی با جهان پیرامون خود نداشته باشد. این برداشت نیز صراحتاً و مرد نقد رهبری قرار گرفته است.

کشور در مسائل حیاتی و اساسی باید خودکفا باشد. نه اینکه از دیگران به کلی بی‌نیاز باشد، نه؛ اما اگر به کسی یا کشوری، در چیزی احتیاج دارد، طوری روابطش را تنظیم

---

۱. بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

کند که اگر خواست آن را به دست آورد، دچار مشکل نشود؛  
او هم چیزی داشته باشد که مورد نیاز آن کشور است؛  
خودکفایی یعنی این!

در یک جمع بندی نسبت به برداشت های غلطی که در جامعه  
نسبت به مفهوم مقاومت وجود دارد، گزاره های غلط زیر را  
می توان مطرح کرد:

- مقاومت، وضعیتی ایستا، غیرپویا، بی آینده و ماندن در  
وضع موجود است؛
- مقاومت، وضعیتی تدافعی، انفعالی و حفظ حداقل های  
بقای موجودیت است؛
- مقاومت، وضعیتی بسته، درون گرا و منزوی شدن از  
ارتباطات و تعاملات جهانی است.

### ▪ معنای صحیح از مفهوم و ایده مقاومت چیست؟

رهبر بزرگوار انقلاب، در سی امین سالگرد ارتحال امام  
خمینی (۱۳۹۸) تفصیلی ترین تبیین خود را در مورد مفهوم  
مقاومت ارایه دادند. در این دیدار، عصاره ی معنای مطلوب و

موردنظر از مقاومت، این‌گونه بیان شد.

معنای مقاومت چیست؟ معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق میدانند، راه درست میدانند، و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند؛ این معنای مقاومت است. فرض کنید یک وقت در یک جاده‌ای انسان به یک مسیلی برخورد میکند، به یک حفره‌ای برخورد میکند، یا در حرکت در کوهستان که می‌خواهد مثلاً به قلّه‌ی کوه برسد، به یک صخره‌ای برخورد میکند؛ بعضی‌ها وقتی که برخورد میکنند به این صخره یا به این مانع یا به این دزد یا به این گرگ، برمیگردند، از ادامه‌ی راه منصرف میشوند؛ بعضی نه، نگاه میکنند ببینند راه دُور زدن این صخره چیست، راه مقابله‌ی با این مانع کدام است، آن راه را پیدا میکنند یا مانع را برمی‌دارند یا با یک شیوه‌ی عاقلانه از مانع عبور میکنند؛ مقاومت یعنی این<sup>۱</sup>.

در این تفسیر، مولفه‌های مفهوم مقاومت را اولاً نوعی حرکت پیشرونده دانستند تا با ایستایی و ماندن در وضع موجود مرزگذاری

---

۱. بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی رحمته‌الله علیه ۱۴/۰۳/۱۳۹۸

کنند؛ ثانیاً ویژگی برجسته حرکتِ مقاومتی را، توقّف‌ناپذیری در برابر موانعی دانستند که در مقابل این حرکت به وجود می‌آید. بر این اساس، حرکت و پیشروی توقّف‌ناپذیر از میان موانع و مشکلات، جوهره‌ی مفهوم مقاومت است. رهبری در همین سخنرانی، توقّف‌ناپذیری حرکت را با اشاره به مسیری که امام خمینی در پیش گرفت، با مجموعه‌ای از مولفه‌های مفهومی دیگر بسط معنایی دادند.

آن چیزی که امام را در هیئت یک مکتب، یک اندیشه، یک تفکّر، یک راه، مطرح کرد برای زمان خود و در تاریخ، بیشتر این خصوصیت بود؛ خصوصیت ایستادگی، مقاومت، عدم تسلیم در مقابل مشکلات و موانع. در برابر طاغوتها امام مقاومت خودش را به رخ همه‌ی دنیا کشید؛ چه طاغوت داخل در دوران مبارزات که خیلی‌ها خسته شدند، خیلی‌ها مشرف به ناامیدی شدند اما امام محکم ایستاد، امام بدون ذرّه‌ای عقب‌نشینی در راه مبارزه ایستاد؛ که این مال دوران قبل از پیروزی انقلاب بود. و بعد از پیروزی انقلاب هم فشارها از نوع دیگر و به صورت همه‌جانبه‌تر در مقابل امام ظاهر شد، [اما] امام باز هم اصل مقاومت را، ایستادگی را از دست نهاد، مقاومت کرد. بنده وقتی به

این خصوصیت امام نگاه میکنم و به آیات قرآن مراجعه میکنم، میبینم امام حقیقتاً بسیاری از آیات قرآن را با همین ایستادگی خود و مقاومت خود معنا کرد. فرض بفرمایید اینکه قرآن میفرماید فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ، تهدید و تطمیع و فریب در امام اثر نگذاشت؛ نه اینکه تهدید نکردند یا تطمیع نکردند یا به فریب متصل نشدند؛ چرا، [اما] در امام مطلقاً اثر نمیگذاشت، ایستادگی او را مخدوش نمیکرد. مهم این است که تلاش دشمن و تهدید دشمن نمیتوانست دستگاه محاسباتی امام را به هم بریزد؛ چون یکی از کارهای مهم دشمنان همین است: با شما که مواجه میشود، نیت شما را که میداند، تصمیم شما را که میداند، در صدد برمی آید کاری کند تا محاسبات شما عوض بشود، دستگاه محاسباتی شما را دچار اختلال کند؛ یکی از کارهای مهم دشمنی در عرصه‌های گوناگون این است. دشمن نمیتوانست دستگاه محاسباتی امام بزرگوار را که به بینات دین مبین اسلام متکی بود، دچار اختلال بکند.

در این بیان، عقب‌نشینی نکردن، تسلیم نشدن، خستگی‌ناپذیری، ناامید نشدن، نفوذناپذیری و به‌هم‌نخوردن و

مختل نشدن دستگاه محاسباتی، به مثابه دلالت‌های مفهومی مقاومت مطرح شده‌اند. مقاومت، وضعیتی است که در آن یک جامعه، در برابر موانع و مشکلات بدون این‌که عقب‌نشینی کند، خسته، ناامید و تسلیم شود و دستگاه محاسباتی‌اش به هم بریزد، نفوذناپذیر و بدون توقف به حرکت پیشرونده‌ی خود ادامه دهد. این تعریف از مقاومت، برداشت‌ها و ذهنیت‌های غلط از مقاومت را می‌تواند تصحیح نماید:

- مقاومت، نه تنها وضعیتی ایستا و ماندن در وضع موجود نیست، بلکه حرکتی پیشرونده و توقف‌ناپذیر است؛
- مقاومت، نه تنها وضعیتی تدافعی و انفعالی نیست، بلکه موجودیتی پویا، فعال، زنده و گسترش‌یابنده است؛
- مقاومت، نه تنها وضعیتی درون‌گرا و انزواگرایانه نیست، بلکه درون‌زا، برون‌گرا و مرزناپذیر است.

### ▪ نقطه اوج مقاومت را چگونه ترسیم کنیم؟

مقاومت، ایستادگی پای یک حرکت پیشرونده است؛ حرکتی که در مقابل آن مجموعه‌ای از موانع بیرونی و درونی قرار دارد. نقطه اوج مقاومت و قلّه مقاومت را چگونه می‌شود ترسیم کرد؟ اوج

مقاومت یک جامعه، رسیدن به نقطه‌ای است که در آن عوامل بیرونی و درونی نتوانند اختلال و اعوجاجی در مسیر حرکت آن ایجاد نمایند. رسیدن به چنین سطحی از مقاومت، با عنوان بازدارندگی شناخته می‌شود. وضعیت بازدارندگی کامل، وضعیتی است که در آن یک جامعه در تمامی عرصه‌های نظامی، امنیتی، سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و اجتماعی از تعرض بیرونی دشمن مصونیت پیدا می‌کند؛ وضعیتی که در آن دشمن چشم طمع برای ضربه زدن نمی‌تواند داشته باشد.

رهبر انقلاب، افق و هدف مقاومت را رسیدن به نقطه بازدارندگی در تمامی عرصه‌ها می‌داند؛ وضعیتی که در عرصه‌ی نظامی به آن نزدیک شده‌ایم، ولی در سایر عرصه‌ها، با آن فاصله داریم.

هدف مقاومت عبارت است از رسیدن به نقطه‌ی بازدارندگی. هم در اقتصاد، هم در مسائل سیاسی کشور، هم در مسائل اجتماعی، هم در مسائل نظامی باید به نقطه‌ای برسیم که این نقطه بازدارنده باشد، یعنی بتواند جوری خود را نشان بدهد که دشمن را از تعرض به ملت ایران در همه‌ی زمینه‌ها منصرف کند؛ دشمن ببیند فایده‌ای ندارد و با ملت ایران نمیتواند کاری بکند. ما امروز در بخش نظامی تا حدود زیادی به این بازدارندگی رسیده‌ایم. این هم

که می‌بینید روی مسئله‌ی موشک و مانند این حرفها اصرار میکنند، به خاطر همین است؛ میدانند که ما به بازدارندگی رسیده‌ایم، به نقطه‌ی تثبیت رسیده‌ایم، میخواهند کشور را از این محروم کنند، والبته هرگز نخواهند توانست<sup>۱</sup>.

وضعیت بازدارندگی به عنوان نقطه هدف مقاومت، الگوی مواجهه جمهوری اسلامی با قدرت‌ها و دولت‌های غربی را روشن می‌سازد. در این الگو، ارتباط و تعامل نفی نمی‌شود، اما سیاست مندرج در تعامل و ارتباط به گونه‌ای است که در آن هیچ‌گونه چشم‌داشت، توقع و انتظار از حمایت غرب نمی‌رود.

در زمینه مواجهه‌ی با قدرت‌ها و دولت‌های غربی، ما خیلی حرف داریم. من می‌گویم برای اینکه ما در خودمان، این قدرت بازدارندگی اقتصادی را به وجود بیاوریم، بکلی باید از کمک و همراهی غربی‌ها چشم‌پوشیم، منتظر آن‌ها نباید باشیم. برای خاطر این‌که غربی‌ها نشان دادند که نمی‌توان از آنها انتظار کمک داشت؛ انتظار توطئه می‌شود داشت، انتظار خیانت می‌شود داشت، انتظار خنجرآزپشت‌زدن می‌توان داشت، [اما] انتظار کمک و صداقت و همراهی

۱. بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام ۱۴/۰۳/۱۳۹۸

نمی‌شود داشت. آن جایی که شما می‌بینید غربی‌ها به یک دولتی، به یک کشوری کمک می‌کنند، در حقیقت برای خودشان دارند کار فراهم می‌کنند!

## ■ چه دقت‌ها و ظرافت‌هایی را در تبیین مقاومت رعایت کنیم؟

در تبیین مفهوم مقاومت، مهم این است که بر روی چه عناصر مفهومی تاکید و تکیه شود. به ویژه در شرایطی که برداشت‌های غلط و اشتباه از مفهوم مقاومت در جامعه وجود دارد، باید نقطه‌های تاکید را در فعالیت‌های تبیینی و تبلیغی درست تعریف کرد.

## مقاومت، بیش از ضربه زدن به دشمن، بر تقویت ساخت درونی تاکید دارد

مفروض اساسی در تبیین نظریه مقاومت، وجود دشمن است؛ یعنی اساساً مقاومت را نمی‌توان بدون اشاره به دشمن توضیح داد. منتها در مورد چگونگی مواجهه با دشمن، نقطه‌های تاکید ایده مقاومت را باید درست توضیح داد. مبارزه با دشمن، دو وجه

دارد: وجه بیرونی مبارزه ضربه زدن به دشمن است و وجه درونی مبارزه تقویت ساخت درونی و قوی شدن است که ضربه‌پذیری از دشمن را کاهش می‌دهد. ایده مقاومت، بیش از وجه بیرونی بر وجه درونی تأکید دارد. رهبری، در بخش‌های پایانی سخنرانی خود در سی‌امین سالگرد ارتحال امام خمینی، پس از تبیین مفهوم مقاومت، به این دقت مفهومی اشاره داشتند.

ما حالا بحث نبرد را نمی‌کنیم، بحث مقاومت را می‌کنیم؛  
بحث نبرد جداگانه است؛ من دارم ایستادگی و مقاومت و  
عقب‌نشینی نکردن را می‌گویم.<sup>۱</sup>

ضربه‌ناپذیری از دشمن از ضربه زدن به دشمن مهم‌تر است و سطح بالاتری از توانایی یک ملت را نشان می‌دهد؛ وضعیتی که در آن یک کشور ضربه‌ناپذیر شود، اساساً دشمنی دشمن را از کارکرد می‌اندازد و ابزارهای دشمنی و موانع بی‌خاصیت می‌شود، اما می‌توان وضعیتی را تصوّر کرد که یک کشور توان ضربه زدن داشته باشد، اما در عین حال دشمن، متقابلاً امکان ضربه زدن مجدد را داشته باشد. بر این اساس، منزلت مقاومت در برابر دشمن را

۱. بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی رحمته‌الله علیه ۱۴/۰۳/۱۳۹۸

می‌توان از منزلت نبرد با دشمن، بالاتر دانست. علت امر این است که با ضربه زدن به دشمن، به صورت موقتی و مقطعی می‌توان ابراز و اظهار قدرت کرد، اما چنین قدرتی پایداری ندارد. ضربه‌ناپذیر کردن یک ملت، پایدارسازی و استمرار بخشیدن به قدرت آن کشور است. در همین راستا، رهبر بزرگوار انقلاب بر این باورند که شکست دادن دشمن، کافی نیست؛ باید به مرحله شکست‌ناپذیری از دشمن - بازدارندگی - اندیشید. دشمن در حال جنگ با ما است... جنگ فقط توپ و تفنگ نیست؛ جنگ اقتصادی، جنگ امنیتی، جنگ اطلاعاتی، جنگ سیاسی، این‌ها هم جنگ است؛ گاهی خطرناک‌تر از جنگ نظامی هم هست... دشمن را شکست خواهیم داد اما این کافی نیست. حرف من و مطالبه‌ی من از مجموع فعالان گوناگون کشور، چه در بخش مسئولین دولتی، چه در بخش‌های دانشگاهی، مردمی، عمومی، چیز دیگری است؛ من می‌گویم ما باید علاوه‌ی بر شکست دشمن، بازدارندگی ایجاد کنیم؛ حرف من این است. گاهی شما دشمن را شکست می‌دهید، اما دشمن منتظر فرصتی می‌ماند و یک ضربه‌ی دیگری بعداً وارد می‌کند؛ این فایده‌ای ندارد؛ ما باید به نقطه‌ای برسیم

خودمان را که بازدارنده باشد؛ یعنی دشمن احساس کند که از رخنه‌ی اقتصادی، از معبر مسائل اقتصادی نمیتواند به کشور عزیز ما ضربه وارد کند و به ملت فشار بیاورد؛ باید به اینجا برسیم؛ بازدارندگی؛ این هم ممکن است، همچنان که - باز اینجا از مسائل نظامی مثال بزنم- در مسائل نظامی خوشبختانه وضعیت ما این جور است. یک روزی بود که ما می‌نشستیم و هواپیمای دشمن می‌آمد در ارتفاع بالا و شهرهای ما را بمباران می‌کرد، ما هم وسیله‌ی دفاعی در این حد نداشتیم، یا [وقتی] موشک می‌فرستاد وسیله‌ای نداشتیم برای مقابله؛ بعد که امکانات پیدا کردیم، امروز دشمنان ما - حداقل در منطقه؛ آن‌هایی که در منطقه هستند یا در منطقه نیرو دارند- می‌دانند که جمهوری اسلامی با موشک‌های نقطه‌زن و فعال و دقیق خود در این منطقه با هر دشمنی می‌تواند مقابله کند و مواجهه کند و او را بکوبد؛ این را فهمیدند. این بازدارندگی است؛ این معنایش این است که دشمنانی که گاهی هوس تهاجم نظامی به سرشان می‌زند، ملاحظه کنند؛ بفهمند که نه، این جور نیست، جمهوری اسلامی، مشت محکم و دست قوی‌ای دارد درمقابل؛ این میشود بازدارنده؛ ما در مسائل

## اقتصادی باید به اینجا برسیم!

این دقت مفهومی، بسترِ بسط و تعمیم مقاومت در عرصه‌های مختلف جامعه و گره خوردن با زندگی مردم را فراهم می‌سازد. این برداشت از مقاومت، به توسعه‌ی معنایی مقاومت کمک می‌کند. یعنی با تکیه بر این تفسیر از مقاومت می‌توان مقاومت را از انحصار بخش نظامی خارج کرد و به عرصه‌های اقتصادی، علمی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تعمیم داد. مباحثی که با تاکید بر استحکام ساخت درونی از سوی رهبری مطرح شده است، در همین راستا است و می‌تواند مفهوم مقاومت را به مفهوم پیشرفت گره بزند.

وقتی ادبیات انقلابی امام را ملاحظه می‌کنید، می‌بینید تکیه‌ی اصلی بر روی ساخت درونی ملت است؛ احیای روح عزت، نه با تفاخر، نه با غرور، نه با به‌خودبستن، بلکه با استحکام ساخت درونی. آنچه که ما باید به آن توجه کنیم، این است که این کار مستمر است، یک کار ادامه‌دار است. ملت باید با عوامل رکود و ایستائی مقابله کند. عواملی وجود دارد که یک انسان پیشرو را،

یک ملت پیشرو را متوقف می‌کند. بعضی از این عوامل در درون خود ماست؛ بعضی از این عوامل، تمهیدات دشمن است. اگر بخواهیم دچار رکود نشویم، دچار ذلت نشویم، دچار عقبگرد نشویم، دچار همان وضعیت دوزخی قبل از انقلاب نشویم، باید حرکتمان متوقف نشود. اینجاست که با یک مفهومی به نام پیشرفت روبه‌رو می‌شویم. باید دائم پیشرفت کنیم. این عزت ملی، این استحکام درونی، این ساخت مستحکم، بایستی دائم در حال جلو رفتن باشد و ما را به پیشرفت برساند... عدالت هم در دل پیشرفت است. پیشرفت، فقط پیشرفت در مظاهر مادی نیست؛ در همه‌ی ابعاد وجودی انسان است؛ که درونش آزادی هم هست، عدالت هم هست، اعتلای اخلاقی و معنوی هم هست؛ اینها همه در مفهوم پیشرفت هست. البته در آن، پیشرفت مادی، پیشرفت مظاهر زندگی، پیشرفت علمی هم وجود دارد. امام با آن حرکت خود، ما را در جاده‌ای قرار داد که باید در این جاده پیش برویم. هرگونه توقف در این جاده، ما را به عقبگرد می‌رساند. ملتی که از حقیقت عزت برخوردار شده است و در جاده‌ی پیشرفت قرار گرفته است، اگر این نعمت را کفران کند، آن وقت مصداق این آیه‌ی شریفه

می‌شود که: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كَفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ. جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ؛ دنیا دوباره دوزخ خواهد شد، زندگی دوباره تلخ خواهد شد. ملتها اگر ایستادگی نکنند و پیش نروند، دوباره همان سختی و سیاهی دوران ذلت بر سر آنها سایه افکن خواهد شد.<sup>۱</sup>

آنچه رهبری طی سال‌های اخیر تحت عنوان قوی شدن نیز مورد تاکید قرار می‌دهند، در همین راستا است. ایشان تلاش داشته‌اند با تاکید بر این‌که قدرت و قوّت ملّی امر مرکّب است، عرصه‌های قوی شدن ایران را از جنبه‌ی نظامی به سایر جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی، علمی و سیاسی هم تعمیم بدهند.

قدرت ملّی و قوّت ملّی. و قدرت ملّی برای یک ملّت حیاتی است؛ یعنی یک ملّت اگر چنانچه بخواهد مستقل باشد، سرفراز باشد، از منابع حیاتی خودش به میل خودش و به سود خودش استفاده کند، رأی خودش را در مسائل اساسی خودش به کار ببندد و مجبور به پیروی از رأی این و آن نباشد، نگران طمع‌ورزی بیگانگان نباشد، همیشه در ترس و لرز زندگی نکند، اگر این چیزها را یک ملّتی بخواهد، باید چه کار

---

۱. بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام ۱۳۹۱/۰۳/۱۴

کند؟ باید قوی باشد. قدرت ملی و قوت ملی حیاتی است برای یک ملت. اگر چنانچه قدرت ملی نبود و ملتی قوی نبود، این چیزهایی که عرض کردیم که اینها اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسائل یک ملت است، برایش تحقق پیدا نخواهد کرد؛ همیشه نگران، همیشه در حال ضعف و ذلت، بیگانگان مسلط [بر او] و امثال اینها. خب پس بنابراین استحکام نظام لازم است؛ قدرت ملی و قوت ملی لازم است.

قدرت ملی که می‌گوییم یک امر مرکب است، یک مجموعه است؛ یک مجموعه‌ی به‌هم‌پیوسته است. قدرت ملی را در یک نقطه‌ی خاصی، در یک جریان و حرکت خاصی نباید دید، [بلکه] یک امری است که مجموعه‌ای از عناصر وجود دارد که اگر اینها جمع شد، قدرت ملی به وجود می‌آید!

قوی شدن و استحکام ساخت درونی به عنوان راهبرد اساسی مقاومت، یک جامعه را به مرحله‌ای می‌رساند که می‌تواند بدون موانع بیرونی و بدون عقب‌نشینی، به صورتی توقف‌ناپذیر به حرکت پیشرونده خود ادامه دهد.

## مقاومت بی‌هزینه نیست، اما هزینه‌سازش بیشتر از هزینه مقاومت است

نباید مقاومت را بی‌هزینه و بی‌رنج تصویر کرد؛ عادی‌نمایی نظریه مقاومت و ارایه تصویری از آن که فاقد نمایش سختی و دشواری باشد، راهبرد تبیینی صحیحی نیست. واقعیت مقاومت در برابر موانع بیرونی و درونی یک حرکت اقتضا می‌کند که با دشواری و سختی‌هایی همراه باشد. راهبرد تبیینی صحیح در روایت دشواری‌های مقاومت، این است که هزینه‌های مقاومت با هزینه‌های سازش، منفعل‌شدن و کنار آمدن مقایسه شود. یکی از روایت‌های ناصوابی که دیدگاه سازش‌کارانه با نظام سلطه از نظریه مقاومت بازنمایی می‌کند، این است که مقاومت یک راه پرهزینه و پرچالش است و در مقابل، سازش و کنار آمدن با نظام سلطه، یک راه کم‌هزینه، روان و آسان برای پیشرفت کشور است. در مقابل این خط‌روایی باید ایستاد و تبیین کرد که هزینه سازش از هزینه مقاومت بیشتر است. رهبر بزرگوار انقلاب طی دو نوبت، همین مطلب را در سخنرانی‌های خود متذکر شده‌اند. یک بار در تقابل با دیدگاهی که با ادعای عقلانیت، نظریه مقاومت در برابر نظام سلطه را به چالش می‌کشند و یک بار در تبیین عقلانیت پشتیبان نظریه مقاومت، به این مطلب اشاره کردند.

بعضی عقلانیت را در این می‌دانند و می‌گویند که چالش با قدرت‌ها هزینه دارد - [البته] اشتباه می‌کند - بله، چالش هزینه دارد، اما سازش هم هزینه دارد. شما ملاحظه کنید دولت سعودی برای اینکه با رئیس‌جمهور جدید آمریکا بتواند سازش بکند، مجبور می‌شود بیش از نیمی از ذخایر موجودی مالی خودش را در خدمت هدف‌ها و طبق میل آمریکا هزینه کند. این‌ها هزینه نیست؟ سازش هم هزینه دارد. چالش اگر عقلانی باشد، چالش اگر منطبق با منطق باشد، اگر با اعتماد به نفس باشد، هزینه‌اش بمراتب کمتر از هزینه‌ی سازش است. این جور نیست که قدرت‌های توطئه‌گر و قدرت‌های متجاوز به یک حدی قانع باشند؛ ما این را در تعاملات این چند سال اخیر مشاهده کرده‌ایم. یک حدی را مشخص می‌کنند، وقتی شما در آن حد عقب‌نشینی کردید، تازه یک حرف جدید مطرح می‌کنند، یک ادعای جدید و یک مطالبه‌ی جدید مطرح می‌کنند، شما را باز با همان فشارها مجبور می‌کنند این مطالبه‌ی جدید را هم بهشان بدهید؛ و این سلسله همین‌طور ادامه پیدا خواهد کرد؛ این متوقف نمی‌شود!

---

۱. گزیده‌ای از بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه پس از عملیات موشکی

منطق مقاومت... این است که مقاومت البته هزینه دارد، بدون هزینه نیست، اما هزینه‌ی تسلیم در مقابل دشمن بیشتر است از هزینه‌ی مقاومت. وقتی شما در مقابل دشمن تسلیم می‌شوید، باید هزینه بدهید. رژیم پهلوی در مقابل آمریکا تسلیم بود - خیلی اوقات هم ناراحت بودند، ناراضی بودند اما تسلیم بودند، می‌ترسیدند - هم نفت می‌داد، هم پول می‌داد، هم باج می‌داد، هم توسری می‌خورد! امروز دولت سعودی هم همین جور است؛ هم پول می‌دهد، هم دلار می‌دهد، هم بر طبق خواست آمریکا موضع‌گیری می‌کند، هم توهین می‌شوند؛ به او می‌گویند گاو شیرده! هزینه‌ی سازش، هزینه‌ی تسلیم، هزینه‌ی عدم مقاومت، از هزینه‌ی مقاومت بمراتب بیشتر است؛ هزینه‌ی مادّی هم دارد، هزینه‌ی معنوی هم دارد!

راهبرد رهبر بزرگوار برای تبیین فزونی هزینه‌ها در ایده سازش و کنار آمدن با نظم جهانی، اشاره به کشورهای است که مسیر سازش و سازگاری با قدرت‌های جهانی را دارند طی می‌کنند. بیان هزینه‌هایی که کشورهایی از این دست در مسیر سازگاری با نظم

جهانی و قدرت‌های جهانی طی کرده‌اند، تصویرسازی غلط از هزینه‌تراشی ایده مقاومت را باطل می‌سازد.

### **در تبیین مقاومت، باید تمایز پیشرفتِ حقیقی، درون‌زا و پایدار را از توسعه‌ی صوری، برون‌زا و موقتی برجسته کنیم**

یکی از مناقشه‌های ذهنی که مردم ایران با آن رو به رو هستند، نحوه تحلیل و ارزیابی پیشرفت کشورهای دیگر است. از این دریچه، بخشی از مردم ایران با مشاهده مظاهر پیشرفت در سایر کشورها، در مقایسه پیشرفت جمهوری اسلامی با آن کشورها، نسبت به نظریه مقاومت دچار ابهام و تردید می‌شوند. یکی از کارویژه‌های جهاد تبیین در کشور، شناسایی راه از بیراهه‌های پیشرفت است.

بایستی در جهاد تبیین، راه پیشرفت و تعالی مادی ملت از بیراهه‌ها و کج‌راهه‌ها جدا بشود؛ یکی از مسائل مهم این است. ما یک روزی سال‌ها پیش در خطبه‌ی نماز جمعه گفتیم خودی‌ها و غیر خودی‌ها، جنجال شد که چرا تقسیم می‌کنید به خودی و غیر خودی، در حالی که همان حضراتی که این مسئله را مطرح می‌کردند، بارها و بارها خودشان خودی و غیر خودی را در مسائل گوناگون اعمال کردند.

بحث خودی و غیر خودی یک بحث اساسی است؛ نه خودی به معنای خویشاوند یا هم‌مسلك یا هم‌حزب یا هم‌فکر در مسائل گروه؛ نه، خودی در اعتقاد به راه اسلام، در اعتقاد به نظر قرآن، در اعتقاد به ایمان اسلامی و حرکت عظیم جمهوری اسلامی که این همه برای آن هزینه شده. این مهم است؛ این راه صحیح از کج‌راهه و بیراهه بایستی جدا بشود، روشن بشود؛ در جهاد تبیین، این معنا مهم است!

مفهوم پیشرفت با مفهوم مقاومت همبستگی دارد؛ مقاومت بستر پیشرفت حقیقی و مستمر است. یکی از ظرفیت‌های نهفته در مفهوم مقاومت، روشن ساختن مرز میان پیشرفت حقیقی با پیشرفت صوری است. یعنی مفهوم مقاومت چون بر استحکام ساخت درونی تاکید دارد، کشش و ظرفیت آن را دارد که پیشرفت حقیقی را از سراب پیشرفت تمیز بدهد. به عنوان نمونه، شاید مظاهر پیشرفت در برخی کشورهای حاشیه خلیج خیلی جلوه داشته باشد، اما با تکیه بر نظریه مقاومت می‌توان تبیین کرد که این پیشرفت چون درون‌زا نیست، نمی‌توان آن را به عنوان پیشرفت حقیقی و ملی محسوب کرد.

پیشرفت این نیست که خارجی‌ها بیایند پول یک کشوری را ببرند و برایشان برج درست کنند؛ اینها پیشرفت نیست. بعضی نگاه می‌کنند به بعضی از این کشورهای دوروبر ما که ثروتشان نفت است، و می‌بینند بله، آنجا فرودگاهِ فلان جور یا برج فلان جور دارد! نه، این پیشرفت نیست؛ اینکه خارجی‌ها بیایند پول یک کشوری را بگیرند، مردم آن کشور را تحقیر کنند و برایشان برج بسازند، این پیشرفت نیست، این عقب‌رفت است، این خسارت است. امروز بلندترین برج منطقه دربی‌عُرضه‌ترین کشور منطقه است! اینکه پیشرفت نشد! پیشرفت این است که یک کشور، یک ملت، با توان خود، با اراده‌ی خود، با تصمیم خود، با دانش خود، با ظرفیت خود، خودش را به صفوف مقدّم برساند؛ این پیشرفت است و این در کشور ما بحمدالله اتفاق افتاده است.<sup>۱</sup>

شاخصی که تفاوت پیشرفت حقیقی را با پیشرفت صوری به خوبی روشن می‌سازد، مقاومت است. پیشرفت حقیقی پیشرفتی است که مبتنی بر نظریه مقاومت باشد و بر استحکام ساخت درونی یک کشور تکیه داشته باشد. در مقابل، پیشرفت صوری،

---

۱. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

پیشرفتی است که بر پول نفت و واردات استوار باشد و صرفاً رونق‌های ظاهری در اقتصاد ایجاد نماید.

مراد ما از پیشرفت، پیشرفت صوری نیست، پیشرفت حقیقی است. پیشرفت صوری این است که یک رونق ظاهری به اقتصاد بدهیم، یک مقداری جنس وارد کنیم و زرق و برقی بدهیم؛ این میشود پیشرفت صوری، این فایده‌ای ندارد، این ممکن است علی‌العجاله مردم را یک مقداری خشنود کند اما در نهایت به ضرر کشور تمام خواهد شد. پیشرفت باید حقیقی باشد، عمیق باشد و متکی به پایه‌ها و استوانه‌های محکم داخلی باشد؛ این میشود پیشرفت؛ پیشرفت واقعی این است. شنیدم که فرمانده محترم سپاه [سردار امیرعلی حاجی‌زاده] که در تلویزیون راجع به این موشکها و مانند اینها صحبت میکرده، گفته است که اگر تمام اطراف کشور ما را هم حصار بکشند که هیچ چیزی وارد نشود و هیچ چیزی خارج نشود، ما در ساخت این موشکها دچار مشکل نمیشویم؛ این یعنی پیشرفت. جوری بایستی حرکت بکنید که اگرچنانچه تحریم هم بکنند و فشار هم وارد بیاورند، پیشرفت شما متوقف نشود [بلکه] آن دشمن احساس کند که نیاز دارد بیاید جلو. اگر بخواهیم

این پیشرفت حقیقی انجام بگیرد، باید خصوصیات انقلابی‌مان را حفظ کنیم، حرکت جهادی‌مان را حفظ کنیم، عزت و هویت ملی‌مان را حفظ کنیم، هضم نشویم، و در هاضمه‌ی خطرناک فرهنگی و اقتصادی جهانی هضم نشویم؛ اگر اینها را رعایت نکنیم، این درست خواهد شد!

پیشرفت حقیقی که بر اساس نظریه مقاومت می‌تواند شکل بگیرد یک ممیزه نسبت به پیشرفت صوری دارد که عبارت است از پایداری و استمرار. پیشرفت صوری مقطعی و موقتی است؛ اما پیشرفت حقیقی چون درون‌زا است و با تکانه‌های بیرونی از بین نمی‌رود، دوام و استمرار دارد. پیشرفت صوری سست و متزلزل است و با تکانه‌های بیرونی فرومی‌پاشد. رهبر بزرگوار انقلاب، بارها با تکیه بر خاطره‌ای از مهاتیر محمد - از سران یکی از کشورهای جنوب شرق آسیا - سستی و موقتی بودن پیشرفت اقتصادی در کشور مذکور را به وابستگی اقتصاد این کشور به عوامل بیرونی مربوط دانسته‌اند.

ماهاتیر محمد، نخست وزیر سابق مالزی - که بسیار هم آدم پُرکار و دقیق و جدی و پابندی بود - به تهران آمد، به

دیدن من هم آمد؛ همان اوقات بود که تحولات گوناگونی در آسیای شرقی اتفاق افتاده بود؛ در مالزی، اندونزی و تایلند، و زلزله‌ی اقتصادی به وجود آمده بود. همین سرمایه‌دار صهیونیستی و بعد سرمایه‌دارهای دیگر، با بازی‌های بانکی و پولی توانستند چند تا کشور را به ورشکستگی بکشانند. در آن وقت ما هاتیر محمد به من گفت: من فقط همین قدر به شما بگویم که ما يك شبه گدا شدیم! البته وقتی کشوری وابستگی اقتصادی پیدا کرد و خواست نسخه‌های اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را عمل بکند، همین‌طور هم خواهد شد. خود این بانک جهانی و صندوق بین‌المللی هم یکی از بخش‌ها و قطعه‌های این پازل بزرگند. این خیلی خطرناک است که سررشته‌ی تحولات جهانی دست باندهای قدرت بین‌المللی باشد؛ که امروز هست. اینها صهیونیست‌ها و سرمایه‌دارهایند و عمدتاً هم در آمریکا و در اروپا زندگی می‌کنند!

آقای ما هاتیر محمد بعد از آن واقعه‌ی اقتصادی شرق آسیای چند سال پیش، اینجا آمده بود و به بنده گفت: ما در يك شب به مردمی گدا تبدیل شدیم! البته کمی

مبالغه می‌کرد؛ اما واقعیت قضیه این بود. علت این بود که دست بیگانگان بر پول و بر مراکز اصلی پول آن‌ها مسلط بود. بیگانگان يك وقت مصلحت دانستند و در ظرف چند ساعت کل موازنه و تعادل پولی آن کشور و اندونزی و کشورهای دیگر را به هم زدند. در واقع به يك معنا بخشی از آن منطقه را نابود کردند. خوب؛ این در زمان خود ما برای ما عبرت آموز و درس آموز است.<sup>۱</sup>

یکی از مولفه‌ها و ویژگی‌های این سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ... توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا است که در این سیاست‌ها دیده شده و مورد ملاحظه قرار گرفته ... برخی از عوارض مؤثر بر اقتصاد کشورها تکانه‌های اقتصادی دنیا است که پیش می‌آید؛ مثل همان چیزی که در این سال‌ها پیش آمد و در برهه‌های دیگری پیش آمده که این تأثیر می‌گذارد بر روی کشورها. من یک وقتی گفتم، رئیس یکی از کشورهای آسیای جنوب شرقی [ماهاتیر محمد] آمد و با من ملاقات کرد؛ در آن دوره‌ای که در این منطقه آن شکست عجیب به وجود آمد؛ حرف او به من این بود، گفت

---

۱. بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵

شما فقط بدانید، ما در یک شب از یک کشور غنی تبدیل شدیم به یک کشور فقیر! یعنی اقتصاد غیر مقاوم این جوری است. پس یک عامل برای تأثیرگذاری بر روی اقتصادها همین تکانه‌های گوناگون اقتصادی دنیا است که سرریز می‌شود به کشورها، یک عامل بلاهای طبیعی است که پیش می‌آید، و یک عامل هم تکانه‌های تخصصی است؛ مثل تحریم‌ها و امثال تحریم‌ها. فرض بفرمایید که در مراکز تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری بشود روی قیمت نفت، یک وقت قیمت نفت را من باب مثال بیاورند به شش دلار، کما این که برای ما اتفاق افتاد؛ خیلی از این‌ها عادی نیست؛ این‌ها کارهای پیش‌بینی‌شده و مؤثر و به دنبال تصمیم‌گیری‌های مشخصی است که از مراکزی دنبال می‌شود!

بر این اساس، پیشرفتی که برون‌زا و صوری باشد، ناپایدار است و با یک تکانه متزلزل می‌شود. معمولاً استقبال کشورها از پیشرفت صوری، تحت لوای عناوین زیبایی همچون جهانی شدن صورت می‌پذیرد. یعنی سازمان‌های بین‌المللی و قدرت‌های غربی که سررشته‌دار این کشورها هستند، با عنوان زیبای جهانی شدن

کشورها را به سمت پذیرش چنین پیشرفت‌های سست و متزلزلی سوق می‌دهند. آن پیشرفتی که در پرتو نظریه جهانی شدن به کشورها حقه می‌شود، سراب پیشرفت است.

جهانی شدن، اسم خیلی قشنگی است و هر کشوری فکر می‌کند بازارهای جهانی به رویش باز می‌شود. اما جهانی شدن به معنای تبدیل شدن به یک پیچ و مهره‌ای در ماشین سرمایه‌داری غرب، نباید مورد قبول هیچ ملت مستقلی باشد. اگر قرار است جهانی شدن به معنای درست کلمه تحقق پیدا بکند، باید کشورها استقلال خودشان - استقلال اقتصادی و استقلال سیاسی - و قدرت تصمیم‌گیری خودشان را حفظ کنند؛ و الاً جهانی شدنی که ده‌ها سال پیش از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی و امثال این‌ها - که همه ابزارهای آمریکائی و استکباری بودند - به وجود آمده، ارزشی ندارد. بنابراین، یک اصل مهم، مسئله‌ی استقلال است؛ که اگر این نباشد پیشرفت نیست، سرابِ پیشرفت است.<sup>۱</sup>

---

۱. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۲۷/۰۲/۱۳۸۸

فصل سوم

چگونه مقاومت را  
در بستر فرهنگ  
عاشورا تبیین  
کنیم؟

ملت ایران در هویت تاریخی خود همواره با فرهنگ مقاومت عجین بوده و در دهه های پس از پیروزی انقلاب به صورت ویژه تری در مسیر مقاومت زندگی کرده اند. با این حال بنا به دلایلی جامعه ما نسبت به این وضعیت خود توجهات خود آگاهانه ای ندارد. به همین جهت یکی از مهم ترین راهبردهای تبیینی امروز، بازسازی هویت مقاومت از طریق ارتقای خود آگاهی عمومی به این ویژگی است. بخش عمده ای از شخصیت مقاومتی ملت ایران به تاسی از فرهنگ عاشورا شکل گرفته است. این حقیقت ظرفیت فوق العاده ای را در اختیار قرار داده است که بتوان با تکیه بر آن، مقاومت مردم ایران را در تداوم نهضت حسینی توصیف کرد. اساساً یکی از اشتراکات در ماهیت انقلاب اسلامی با نهضت سیدالشهدا علیه السلام به راهبرد استقامت مرتبط است.

می دانید که حرکت امام، مشابهت های زیادی با

نهضت حسینی دارد و تقریباً، الگوبرداری شده از حرکت حسینی است. گرچه آن حرکت - یعنی حرکت امام حسین علیه السلام - منتهی به شهادت آن حضرت و یارانش شد و این حرکت به پیروزی امام منتهی گردید؛ ولی این فارقاً ایجاد نمیکند. زیرا یک نوع فکر، یک مضمون و یک طرح کلی بر هر دو حرکت حاکم بود. اقتضائات متفاوت بود؛ لذا سرنوشت آن حرکت، شهادت امام حسین علیه السلام و سرنوشت این حرکت، حکومت امام بزرگوار ما شد. این، به طور کلی، امر روشن و واضحی است. از جمله ویژگیهایی که در هر دو حرکت، به طور بارزی وجود دارد، موضوع استقامت است. با کلمه استقامت و معنای آن، نباید عبوری و گذرا برخورد شود؛ چون خیلی مهم است.

در مورد امام حسین علیه السلام استقامت به این صورت است که آن حکومت، ایستاد. هنوز مشکلات، خود را بروز نداده بود. پس از مدتی، آن حضرت تصمیم گرفت تسلیم یزید و حکومت جائزانه او نشود. مبارزه از این جا شروع شد؛ تسلیم نشدن در مقابل حاکمیت فاسدی که راه دین را به کلی منحرف میکرد. امام از مدینه که حرکت فرمود با این

نیت بود. بعد که در مکه احساس کرد یاور دارد، نیت خود را با قیام همراه کرد. و الا جوهر اصلی، اعتراض و حرکت در مقابل حکومتی بود که طبق موازین حسینی، قابل تحمّل و قبول نبود.<sup>۱</sup>

لذا در میان مجموعه‌ی مفاهیم ارزشی انقلاب اسلامی (آزادی، استقلال، مردم‌سالاری، عدالت و ...)، هیچ مفهومی به اندازه‌ی مقاومت با سرشت حادثه عاشورا قرابت معنایی ندارد. مفهوم مقاومت که در ادبیات قرآنی نیز محمل دارد (واستقم كما امرت) اگر به درستی تبیین شود، امکان پیوند میان حادثه‌ی عاشورا با منطق مقاومت را به خوبی تدارک می‌نماید.

با دردست داشتن این ظرفیت فرهنگی، اگر بنا باشد این خودآگاهی را در ملت ایران تقویت کنیم که شما هویتاً آدم‌های توقف‌ناپذیری هستید، آدم‌های تسلیم‌نشویی هستید، آدم‌های منصرف‌نشویی هستید. باید این توجه را بدهیم که امام حسین را هم هزار و یک دلیل می‌توانست متوقف کند، در هیچ شرایطی متوقف نشد. در هر شرایطی باز حرکت کرد. تا به خود صحرای کربلا رسید آنجا هم در آن شرایط ببینید که سنگین‌ترین داغ‌ها،

---

۱. بیانات در مراسم هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام ۱۳۷۵/۰۳/۱۴

که ما در روضه‌ها همیشه وجه عاطفی اش را می‌گوییم که می‌تواند آدم را از پا دریاورد، باز مقاومت است که پرنرنگ است. روضه‌های ما، باید وجه توقف‌ناپذیری شهدای کربلا را هم بازگو کند. اگر روایت می‌کنیم که با چه اوضاع و احوالی علی‌اکبر را جمع می‌کند و به خیمه می‌برد، بگوییم که ولی باز می‌آید وسط میدان. متوقف نمی‌شود. بالای سر جناب علی‌اکبر می‌گوید: علی! علی الدنیا بعدک العفا. یعنی چه؟ یعنی الهی دنیا نابود بشود؟ نه! یک تعبیر خیلی تلخ‌تری می‌گوید. می‌گوید که برای من فرقی نمی‌کند که دنیا اصلاً باشد نباشد. اصلاً دیگر حال ندارم دنیا را نفرین کنم. ولی باز متوقف نمی‌شود.

می‌خواهیم در محرم از توقف‌ناپذیری بگوییم، اباالفضل‌العباس را ببینیم؛ حقیقتاً اسوه توقف‌ناپذیری است، هیچ چیزی متوقفش نمی‌کند. مشك را به دست گرفته و به سمت خیمه‌ها می‌تازد؛ دست راست را می‌زنند، حرکت ادامه دارد نمی‌ایستد. دست چپ را می‌اندازند، مشك را به دندان می‌گیرد و پیش می‌رود. مشك، آماج تیرها می‌شود، خودش را حائل می‌کند روی مشك، باز جلو می‌رود، متوقف نمی‌شود. حتی تیرهایی به مشك می‌خورد اما باز ادامه می‌دهد و ناامید نمی‌شود. به امید آنکه مقداری آب در مشك بماند و به خیمه

برساند. کی متوقف می‌شود؟ او هرگز متوقف نشد؛ نانجیبی که کمین کرده بود، او را با عمود آهنین به زمین انداخت. رو به زمین می‌زند. روضه اباالفضل‌العباس، روضه مقاومت و توقف‌ناپذیری است. همه روضه‌های کربلا، از یک منظر، روایت مقاومت است. حضرت زینب هیچ چیزی متوقفش نمی‌کند. قامتش زیر بار مصائب، خم می‌شود ولی با قدرت ادامه می‌دهد.

حالا ملتی که قرن‌ها با این اسوه‌ها زندگی کرده، چه چیزی می‌تواند آن را متوقف کند؟ این جزو هویتش شده است، با این حقیقت زندگی کرده است. ادبیات عاشورا، ادبیات مقاومت است. چه صحنه عاشورا و کربلا، چه بعدش حضرت زینب و کاروان اسرا. به مجلس شراب که ایشان را می‌برند باز هم متوقف نمی‌شود، بازایستادگی می‌کند و آن خطبه بی‌بدیل را می‌خواند. چه چیزی می‌تواند شما را از پای‌اندازد؟ چه چیزی می‌تواند شما را نگه دارد؟ متوقف کند؟ هیچ!

امام می‌فرمود: ملتی که شهادت دارد، شکست ندارد. می‌فرمود: خدایا شعله شهادت را در کشور ما شعله‌ور نگه‌دار. ملت ما به شهادت نیاز دارد. شهادت یعنی چه؟ شهادت، به معنای آن است که حتی در معرض خطر جان هم قرار گرفتی، متوقف نشوی. گاهی انسان، پای کار است تا وقتی که مساله مرگ و زندگی پیش

نیامده. یعنی آخرین عاملی که ممکن است برخی افراد را متوقف کند، مرگ است. فرهنگ شهادت، مکمل فرهنگ مقاومت است. ملت شهادت، ملتی است که حتی خطر مرگ و کشته شدن هم او را نمی تواند متوقف کند. لذا امام می فرمود ملتی که شهادت دارد، شکست ندارد.

آری! این معجزه مقاومت است. شکست وقتی است که تو نتوانی ادامه بدهی و متوقف شوی. فرهنگ شهادت، آمادگی برای جانبازی در راه آرمانهاست. ملت ما، عاشق آن حقیقتی است که بسیاری از افراد در امت های پیشین و پسین را متوقف کرده است. پس دیگر هیچ مانعی پیش روی این ملت متصور نیست و فرهنگ شهادت، که امتداد فرهنگ مقاومت است، ان شاء الله این ملت را به اوج سعادت خواهد رساند.

فصل چهارم

چگونه مقاومت را  
در بستر حوادث  
فلسطین اشغالی  
تبیین کنیم؟

حرف اصلی امروز با مردم دعوت به مقاومت نیست بلکه صحبت ما از به چشم آوردن دستاوردها و نتایجی است که ایده مقاومت و سیاست های مقاومت برای ما به همراه داشته است، در واقع حرف جدی ما پرداختن به کارآمدی رویکرد مقاومت است. یک زمان مردم را به مقاومت کردن فرا می خوانیم ولی یک زمانی همچون امروز مطلب دیگری داریم و آن این است که ما مقاومت کردیم و در مسیر مقاومت موفقیت های زیادی کسب کردیم. حالا وقت دیدن این موفقیت ها و بازگو کردن آن هاست.

یکی از مظاهر بسیار روشن ایده مقاومت، شکل گیری جبهه سیاسی نظامی به عنوان جبهه مقاومت در کشورهای اسلامی است. این جبهه مبتنی بر یک رویکرد فعال و هوشمندانه در برابر طرح های جهانی استکبار به ویژه رژیم صهیونیستی، شکل گرفته و توسعه هم جانبه پیدا کرده است.

از ۷ اکتبر و آغاز عملیات طوفان الاقصی، این جبهه در موقعیت کاملاً متفاوتی نسبت به وضعیت گذشته خود با رژیم صهیونیستی قرار گرفته است که به تعبیر رهبر انقلاب؛ رژیم صهیونیستی را در یک مسیری قرار داده است که انتهای آن مسیر جز اضمحلال و نابودی چیز دیگری نیست.

فلسطینی‌ها در ماجرای طوفان الاقصی وارد میدان شدند، عمل کردند، اقدام کردند و دشمن را در کنج میدانی قرار دادند که هیچ راه فراری و وسیله‌ی نجاتی برایش وجود ندارد. بله، آمریکا از رژیم صهیونیست حمایت میکند، بسیاری از دولتهای غربی حمایت میکنند اما همه هم اعتراف میکنند و قبول دارند که شرایطی که برای حکومت صهیونیست به وجود آمده است، شرایطی است که راه نجاتی برای آن رژیم وجود ندارد. در باب این حرکت عظیم مردم فلسطین من در اینجا چند جمله‌ای توضیح عرض میکنم. دو نقطه‌ی اساسی در حادثه‌ی طوفان الاقصی وجود دارد که باید به آن توجه کرد؛ دو نقطه‌ی اساسی و مهم. یک نقطه این است که این عملیات طوفان الاقصی که در پانزدهم مهر گذشته اتفاق افتاد، دقیقاً مورد نیاز منطقه بود؛ منطقه‌ی ما به این عملیات نیاز داشت؛ این پاسخ به یک

نیاز بزرگ منطقه بود که شرح خواهم داد. نقطه‌ی دوّم این است که این عملیات یک ضربه‌ی تعیین‌کننده‌ای به رژیم صهیونیست بود؛ ضربه‌ای که هیچ علاجی برای آن وجود ندارد، و رژیم صهیونیست بر اثر این ضربه دچار ابتلائیاتی شده است که از این ابتلائیات نجات پیدا نخواهد کرد.

اما آن نقطه‌ی اوّل که گفتیم عملیات طوفان‌الاقصی دقیقاً در لحظه‌ی نیاز منطقه اتّفاق افتاد، توضیحش این است که یک نقشه‌ی جامع وسیعی به وسیله‌ی آمریکا و عناصر صهیونیست و دنباله‌های آنها و بعضی از دولتهای منطقه طّراحی شده بود که بر اساس این نقشه‌ی جامع قرار بود مناسبات و معادلات منطقه تغییر پیدا کند. ارتباط رژیم صهیونیستی با دولتهای منطقه طبق خواسته‌ی خود آن رژیم تنظیم بشود و معنایش تسلّط رژیم صهیونیستی بر سیاست و اقتصاد کلّ منطقه‌ی غرب آسیا بلکه کلّ دنیای اسلام بود؛ یک برنامه‌ی وسیعی را طّراحی کرده بودند که این نتیجه‌اش بود. این برنامه را با مقدمات زیادی پیش برده بودند؛ آمریکا پشت سر این برنامه بود، انگلیس پشت سر این برنامه بود، جامعه‌ی صهیونیست‌های جهانی پشت

سر این برنامه بودند، بعضی از دولتهای منطقه با جدّیت در این برنامه همکاری میکردند؛ این برنامه به لحظه‌های پایانی خودش رسیده بود؛ یعنی چیزی نمانده بود که این برنامه و نقشه‌ی بلندمدّت به مرحله‌ی اجرای عملی برسد. در یک چنین لحظه‌ی حسّاسی حمله‌ی طوفان الاقصی آغاز شد و همه‌ی نقشه‌های دشمن را بر باد داد. طوفان پانزدهم مهر نقشه‌ی با دقّت طراحی‌شده‌ی دشمن را باطل کرد و با وضعی که در این هشت ماه پیش آمده است، امیدی هم به اینکه بتوانند این نقشه را دوباره احیا کنند چندان وجود ندارد. کار بزرگ مهمّی انجام گرفت.

اینکه شما می‌بینید رژیم صهیونیستی با چنین شدّتی و قساوتی به مردم بی‌دفاع غزّه حمله میکند، واکنش عصبی رژیم به باطل شدن آن نقشه است. اینکه می‌بینید دولت آمریکا در مقابل چشم همه‌ی مردم دنیا به این جنایتها کمک میکند، به خاطر واکنش عصبی آنها است از باطل شدن نقشه‌ای که با زحمت زیاد این نقشه را کشیده بودند. طوفان الاقصی یک چنین معجزه‌ای کرد. این طوفان الاقصی درست در وقت خود و در لحظه‌ی خود اتفاق افتاد. بنده

البته نمیتوانم ادعا کنم که طراحان طوفان الاقصی آیا میدانستند که چه کار بزرگی را دارند انجام میدهند یا نه – من نمیدانم – اما واقعیت این است که این کاری که اینها انجام دادند، یک کاری بود که هیچ چیز دیگری نمیتوانست جای آن را بگیرد؛ اینها یک توطئه‌ی بزرگ بین‌المللی برای منطقه‌ی غرب آسیا را با عملیات طوفان الاقصی از بین بردند و باطل کردند. این، نقطه‌ی اول.

و اما نقطه‌ی دوم، که گفتیم عملیات طوفان الاقصی یک ضربه‌ی تعیین‌کننده به رژیم صهیونیستی بود، یک ضربه‌ای بود که قابل جبران نیست و رژیم صهیونیستی را در یک مسیری قرار داده است که انتهای آن مسیر جز اضمحلال و نابودی چیز دیگری نیست. درباره‌ی این بخش از قضیه زیاد صحبت کرده‌ایم؛ از اول وقوع طوفان الاقصی تا حالا، بارها درباره‌ی این مسئله صحبت کرده‌ایم؛ (۵) من امروز میخواهم از زبان دیگران در این باره حرف بزنم. نظرات خودمان را فعلاً میگذاریم کنار؛ من نظرات کسانی را عرض میکنم که از لحاظ جهت‌گیری و رویکرد با ما همراه نیستند.

همه‌ی تحلیلگران غربی، اعمّ از اروپایی، آمریکایی و حتی وابستگان به خود رژیم صهیونیستی معتقدند که در این عملیات، رژیم صهیونیستی با همه‌ی تظاهر و یال‌وکوپال، از گروه معدود مقاومت شکست سختی خورده است. آنها می‌گویند رژیم صهیونیستی هشت ماه بعد از طوفان الاقصی، با این‌همه تلاش، به هیچ‌کدام از هدفهای حدّ اقلی خود هم نرسیده؛ این را تحلیلگران غربی می‌گویند. از این بالاتر، یک تحلیلگر غربی قضاوتش این است و این جور می‌گوید که طوفان الاقصی رویدادی است که می‌تواند تغییردهنده‌ی قرن بیست و یکم باشد؛ این تلقی یک تحلیلگر معروف غربی است - بنده نمی‌خواهم اسم آنها را بیاورم - یک تحلیل دیگر از یک تحلیلگر دیگر غربی می‌گوید: طوفان الاقصی جهان را تغییر خواهد داد. یک تحلیلگر امنیتی صهیونیست، مربوط به داخل خود رژیم صهیونیستی، [وقتی] می‌خواهد بگوید درون سران و مسئولان بالای رژیم صهیونیستی آشفتگی وجود دارد، سرگیجه وجود دارد و نمیدانند چه کار باید بکنند، این جور می‌گوید که اگر محتوای بحثها و اختلافات مقامات اسرائیل در رسانه‌ها منتشر شود، چهار میلیون نفر از اسرائیل

خواهند رفت؛ مهاجرت معکوس؛ یعنی سرگیجه و آشفتگی و دستپاچگی در میان مقامات اسرائیل در یک چنین حدی است. توجه کنید! این خیلی مهم است. یک مورخ اسرائیلی میگوید: پروژه‌ی صهیونیستی، نفسهای آخر خود را میکشد - این را یک تحلیلگر و مورخ صهیونیست میگوید - و ما در آغازِ پایانِ رژیم صهیونیستی هستیم؛ ارتش در حفاظت از جامعه‌ی یهودی در جنوب و شمال اسرائیل شکست خورده است. ارتشی که ادعا میکرد جزو قوی‌ترین ارتشهای دنیا است در داخل سرزمین خود شکست خورده؛ از چه کسی شکست خورده؟ از یک دولت قوی؟ نه، از گروه‌های مقاومت، از حماس، از حزب‌الله؛ از اینها شکست خورده. طوفان الاقصی این است.

از همه‌ی اینها که بگذریم، آنچه در مقابل چشم ما است و داریم مشاهده میکنیم، [این است که] مسئله‌ی فلسطین شده است مسئله‌ی اوّل دنیا؛ این خیلی مهم است. سالهای متمادی تبلیغات رسمی رسانه‌های وابسته‌ی به آمریکا و وابسته‌ی به مراکز صهیونیستی ثروتمند سعی‌شان این بود که کاری کنند که نام فلسطین و مسئله‌ی فلسطین

بتدریج کم‌رنگ بشود و تدریجاً به فراموشی سپرده بشود، و مردم یادشان برود که یک چیزی هم به نام فلسطین وجود داشته! سالها سعی کردند و پول خرج کردند برای این کار، [اما] امروز علی‌رغم آنها، مسئله‌ی فلسطین مسئله‌ی اول دنیا است. در خیابانهای لندن، در میدانهای پاریس، در دانشگاه‌های آمریکا به نفع مردم فلسطین و علیه رژیم صهیونیستی شعار میدهند. آمریکا هم در مقابل اجماع جهانی ملت‌های دنیا ناچار دچار انفعال است و دیر یا زود مجبور خواهد شد دست خودش را از پشت رژیم صهیونیستی بردارد.

البته مصیبت‌های غزه، حوادث گریه‌آور غزه، [از جمله] حمله به مردم بی‌دفاع، کشتار نزدیک به چهل هزار نفر، کشتار حدود پانزده هزار یا بیشتر کودک - بعضاً نوزاد، بعضاً شیرخوار - این مصیبت‌ها وجود دارد؛ اینها هزینه‌هایی است که ملت فلسطین در راه نجات خود دارد این هزینه‌ها را میدهد، و [در عین حال] ایستاده است و مقاومت میکند و از حماسه‌سازان و مبارزان مقاومت دفاع میکند. ملت فلسطین با وجود همه‌ی این مشکلات و سختی‌ها، از

مقاومتِ إعراض نکرد، روگردانی نکرد؛ از مقاومتِ دفاع میکند، به برکت ایمان اسلامی و اعتقاد به آیات قرآن؛ این خیلی مهم است.

واقع قضیه این است که رژیم صهیونیستی یک محاسبه‌ی غلطی کرد، یک تحلیل غلطی کرد از توانایی‌های جبهه‌ی عظیم مقاومت. امروز یک جبهه‌ی بزرگی در منطقه‌ی ما وجود دارد به نام جبهه‌ی مقاومت؛ این جبهه توانایی‌های زیادی دارد؛ رژیم صهیونیستی در فهم این حقیقت دچار اشتباه شد، دچار غلط شد. رژیم صهیونیستی به دست خودش، خود را در یک دالان بن‌بستی انداخت که شکست‌ها پشت سر هم و پی‌درپی به سراغش خواهند آمد و به حول و قوه‌ی الهی از این دالان راه نجاتی پیدا نخواهد کرد. امروز رژیم صهیونیستی در مقابل چشم مردم دنیا دارد بتدریج ذوب میشود، دارد تمام میشود؛ این را مردم دنیا دارند می‌بینند. البته در تبلیغات حرف می‌زنند، اما واقع قضیه این است؛ هم خودشان میدانند، هم بسیاری از سیاسیون دنیا میدانند، هم بسیاری از ملت‌ها این را می‌فهمند و هم ملت فلسطین این را فهمیده است. این راجع به مسئله‌ی اوّلی

که گفتیم امروز میخواهیم بحث کنیم، [یعنی] مسئله‌ی فلسطین و طوفان الاقصی!

به همین جهت این موضوع و اتفاقات پیرامونی آن یکی از بزرگترین دستاوردهای ایده مقاومت در عصر حاضر می باشد. اما با این حال، تحلیل و تصویری مسأله غزه در جامعه ایران با نقصان‌هایی روبه‌روست که موجب می شده است به این اتفاق به چشم دستاورد و دارایی نگاه نکند. از همین رو ضروری است برای تبیین ایده مقاومت در بستر حوادث امروز غزه به سرفصل‌هایی توجه ویژه داشته باشیم.

### مقاومت غزه؛ تکرار درس‌های عاشورا برای تاریخ

حوادث امروز غزه هم به جهت حماسه آفرینی‌های جریان مقاومت، هم به جهت ایستادگی خونین زنان و کودکان، هم به جهت وادار کردن دستگاه ظلم به خشونت، هم به جهت آشکار شدن باطن خباثت آلود استکبار و هم به جهت دستاوردهای بزرگ سیاسی و اجتماعی برای آزادگان، منطبق با آموزه‌هایی است

---

۱. بیانات در مراسم سی و پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه

که همگی آن‌ها توسط سیدالشهدا ع به بشریت و تاریخ هدیه شده است. عظمت حوادث غزه به عنوان یک نقطه عطف تاریخی برای آن است که روح ماجرای کربلا که قیام لله است، در آن جاری است. نکته قابل توجه این که راهبران مقاومت فلسطین در اظهار نظرهای مختلفی که از خود ارائه کرده اند، به خودآگاهی هویتی امروز خود با نهضت عاشورا تأکید داشته اند. اخیراً یکی از رسانه های معتبر آمریکایی در گزارشی نوشته است که رهبر حماس در غزه، جنگ کنونی در این باریکه را در تداوم مسیری می‌داند که امام حسین علیه السلام در کربلا بنا گذاشتند. وال استریت ژورنال، با طرح این ادعا که به مکاتبات یحیی السنوار رهبر حماس در غزه با تیم مذاکره‌کننده مقاومت فلسطین دست پیدا کرده، گزارش داد السنوار جنگ غزه را با جنگ کربلا مقایسه کرده است. السنوار در یکی از پیام‌های خود به تیم مذاکره‌کننده حماس گفته است: ما باید این مسیری را که آغاز کردیم، ادامه دهیم. یا اینکه یک کربلای دیگر اتفاق بیفتد.

### مقاومت و آشکار شدن ذات خبیث تمدن غربی

بیش از ۲۰۰ سال است مظاهر و نمودهای تمدن غرب چشم و گوش بسیاری از مردمان جهان را پرکرده و آن‌ها را شیفته و

خودباخته خود نموده است. از بین رفتن این حجاب و آشکار شدن باطن پلید این تمدن برای جهانیان از طرق عادی و معمولی اساساً امکان پذیر نبود، مقاومت استثنائی مردم غزه و زنان و کودکان آن موجب شد تا این تمدن، ذات خبیث خود را آشکار کند و پوچ بودن بسیاری از شعارهای آن مثل حقوق بشر، حقوق زنان، آزادی خواهی و ... برای همه علی الخصوص خود شهروندان جامعه غربی علنی شود.

منتقدین تمدن غربی بارها تکرار میکردند، میگفتند که این تمدن بر پایه‌ی شرارت بنا شده، بر پایه‌ی جدایی و عناد با معنویت و فضایل معنوی و ارزشهای معنوی بنا شده است؛ از آن انتظار خیر نمیشود داشت؛ این را همه میگفتند، اما در حوادث این شش ماه گذشته در مسئله‌ی غزه و فلسطین، خود دولتهای غربی این ذات شریر را در مقابل چشم همه‌ی دنیا قرار دادند؛ نشان دادند که این تمدن چه تمدنی است؛ کودک میکشند در آغوش مادر، بیمار میکشند در بیمارستان؛ زورشان به مقاومت و مردان مقاومت نمیرسد، می‌افتند به جان خانواده‌ها، به جان کودکان و مظلومان، به جان پیرمردها؛ سی و چند هزار انسان بی‌دفاع را در این شش ماه، اینها به قتل رساندند.

کجا هستند آن کسانی که آهنگ ناهنجارشان درباره‌ی حقوق بشر گوش دنیا را کر میکند؟ کجایند؟ چرا اینجا را نمی‌بینند؟ اینها بشر نیستند؟ اینها حقوق ندارند؟<sup>۱</sup>

### اثبات حقانیت منطق انقلاب اسلامی

یکی از ثمرات قطعی وقایع مربوط به غزه و طوفان الاقصی، اثبات حقانیت مسیری است که انقلاب اسلامی در طول دهه‌های گذشته در پیش گرفته بود. در ۴۵ سال گذشته انقلاب اسلامی به تنهایی علم حمایت از قدس و مبارزه واقعی با صهیونیسم را به گردن داشت و به همین دلیل هم متحمل تحریم‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی فراوانی در جهان و منطقه بود. در این سال‌ها جمهوری اسلامی به جهت پافشاری بر این سیاست خود همواره مورد شماتت و نصیحت دولت‌های مختلف و نهادهای بین‌المللی بود اما حوادث غزه در ماه‌های گذشته موجب شد تا بسیاری از ملت‌ها و دولت‌ها مواضع و سیاست‌هایی را در قبال رژیم اسرائیل در پیش بگیرند که همواره در دستور کار ایران بوده است. پرداختن به این موضوع موجب می‌شود تا خود مردم ایران

---

۱. بیانات رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز عید فطر، ۲۲/۰۱/۱۴۰۳

هم متوجه و متنبه حقانیت و نورانیت مسیری که سال ها در پیش گرفته اند باشند و از آن احساس افتخار کنند.

یک نکته‌ای وجود دارد که خوب است مورد توجه قرار بگیرد. خب، امروز همه‌ی دنیا دارند می‌بینند رفتار رژیم صهیونیستی را؛ سی و چند هزار کشته در ظرف شش ماه که از میان اینها، اقلّاً نصفشان زنان و کودکانند؛ این چیز کمی نیست، این قدر بی‌رحمی، این قدر وحشی‌گری چیز کوچکی نیست که این سگ‌ها را، به جان کودکان فلسطینی و مریضها و پیران و زنان بیفتد. خب، این یکی از چیزهایی است که موضع همیشه‌ی جمهوری اسلامی را برای مردم دنیا ثابت کرد؛ حقانیت این موضع همیشه‌ی جمهوری اسلامی ایران ثابت شد؛ چرا؟ که چرا ده‌ها سال است که در جمهوری اسلامی می‌گویند: مرگ بر رژیم صهیونیستی؛ این [موضع حق] ثابت شد. به همه‌ی دنیا نشان داده شد که حق با جمهوری اسلامی است، حق با ملت ایران است؛ [چون این رژیم] ذات شریک و خیبت خودش را در این امتحان بزرگ نشان داد. حقانیت جمهوری اسلامی ثابت شد.<sup>۱</sup>

---

۱. بیانات رهبر انقلاب در دیدار با معلمان، ۱۳/۰۲/۱۴۰۳

## مقاومت و نتیجه بخش شدن رنج ها و فشارهای متحمل شده مردم ایران

زنده شدن وجدان عمومی جهانیان در آمریکا، اروپا و کشورهای اسلامی و دیگر مناطق جهان که در واکنش به وسعت و عمق جنایات مکرر رژیم صهیونیستی در غزه است، وامدار مقاومت و پایمردی مردم ایران است. در طول دهه های گذشته اجرای سیاست ها و راهبردهای مقاومت در منطقه هیچ گاه بودن هزینه نبوده است، مردم ایران برای حمایت از این سیاست ها متحمل بیشترین فشارها و رنج ها بوده اند و در هیچ شرایطی نیز پشت مقاومت را خالی نکرده اند. به همین جهت امروز که دستاوردهای مهم این سیاست ها در حال بروز و ظهور است، جامعه ایران به ارزش و منزلت رنج ها و فشارهایی که در این مسیر متحمل شده اند خودآگاه شوند و از آن احساس سرافرازی کنند.

شما جوان دانشجوی امروز باید بدانید که خیلی از این حوادثی که در سطح منطقه و در سطح دنیا شما را به هیجان می آورد و به آنها افتخار میکنید، مربوط به کشور شما است، مربوط به جامعه ی شما و به انقلاب شما است!

## مقاومت خونین و شکسته شدن هیمنه پوشالی و شیطانی استکبار

از آغاز عملیات طوفان الاقصی تا به امروز بارها و بارها پوشالی بودن هیمنه نظامی، اطلاعاتی و امنیتی استکبار برای همه از جمله مردم ایران و منطقه ثابت شد. شکست مفتضحانه در ۷ اکتبر، ناکامی ها در تحقق اهداف حمله زمینی و هوایی به غزه و نهایتاً عملکرد مذبحخانه در مواجهه با عملیات وعده صادق ایران موجب شد تا هیمنه پوشالی و دروغینی که سال های سال با تولید فیلم ها و تولیدات رسانه ای و خبری گسترده برای رژیم صهیونیستی برساخته شده بود و از طریق آن به اغوا و فریب مسلمانان می پرداختند، در پیش چشم مردم جهان و علی الخصوص کشورهای اسلامی شکسته شود و این موفقیت فقط و فقط مرهون مقاومت خونین و مثال زدنی جامعه فلسطین و به خصوص مردم غزه است.

### به رخ کشیده شدن اقتدار نرم و سخت ایران در جهان

مجموعه ای اتفاقات ماه های گذشته در منطقه موجب شده است تا جایگاه ایران در انظار عمومی جهان به نحو غیر قابل انکاری برجسته شود. از فراگیر شدن گفتمان حمایت از قدس و مبارزه با صهیونیسم در جهان تا به نمایش درآمدن قدرت، امکانات،

هماهنگی و آمادگی نظامی جبهه مقاومت در منطقه و نهایتاً بروز عملیات افتخارآمیز وعده صادق، همه و همه موجب شده است اقتدار نرم و سخت ایران در سراسر جهان زبان زد شود. این موضوع به حدی قطعی و روشن بوده است که هیچ ترفند و طراحی رسانه ای هم نتوانست اذهان عمومی را از آن منصرف سازد.

### عظمت و سزاواری ولایت فقیه

امروز که موجودیت ضدانسانی صهیونیسم و ماهیت پلید استکبار در حمایت از رژیم کودک کش اسرائیل برای همگان قطعی شده است، لازم است به این مقوله متوجه باشیم که در طول سالیان متمادی چه عاملی از یک سو آرمان مبارزه با اسرائیل را در ایران به یک گفتمان عمومی مبدل ساخت و از سوی دیگر زیرساخت های نظامی، دفاعی و صنعتی لازم برای این مبارزه را فراهم آورد؟ با اندک تأملی در خواهیم یافت که یگانه مرد این میدان، ولی فقیه بوده است. در میانه همه تردیدها و ان قلت ها این آیت الله خامنه ای بود که مسیر مبارزه جهانی با صهیونیسم را قدم به قدم و با هوشمندی و فتانت طراحی و پیگیری کرد. امروز غرب و اسرائیل بارها اذعان می کنند که مهم ترین پیشران و عامل در پدید آمدن وضعیت کنونی ولایت فقیه در ایران بوده است.

## مقاومت غزه؛ نمایشی از قدرت نقش آفرینی مردم

میدان داری و مشارکت مردم در اداره امور کشور، مهم ترین مصداق برای تحقق آرمان مردم سالاری دینی است. به دلیل بروز چالش های مختلف اقتصادی و اجتماعی، مشارکت حداکثری مردم به یک ضرورت برای جامعه ایران مبدل شده است. یکی از موانع حضور و میدان داری مردم در عرصه ها، احساس بی تأثیر بودن است، در این وضعیت اگر نمونه هایی در پیش چشم عموم قرار بگیرد که مشخص کند نقش آفرینی مردم چه دستاوردهای بزرگی به همراه می آورد، این شرایط می تواند، انگیزه و اراده زیادی برای فعال سازی انرژی بالقوه مردمی را تدارک کند. صحنه امروز غزه صحنه بروز جامعه جدیدی است که تکیه آن فقط و فقط به ایمان عمومی مردم و نقش آفرینی بزرگ آنان است.

یکی از آن مطالب که من امروز درباره‌ی آن، چند جمله‌ای عرض میکنم، عبارت است از قدرت نقش آفرینی مردم در حوادث بزرگ. این را ما نباید فراموش کنیم؛ این را در زندگی خودمان تجربه کرده‌ایم، هم خودمان باید این را فراموش نکنیم، هم این تجربه را به دیگران منعکس کنیم. امروز غزه را ملاحظه کنید؛ نقش آفرینی حضور مردم و ایستادگی

مردم در یک حادثه‌ی عظیم؛ یعنی یک گروه کوچک، یک مردم محدود - مثلاً دو میلیون جمعیت - در یک وجب زمین، آمریکای با آن عظمت را و رژیم صهیونیستی آویزان به آمریکا را عاجز کرده‌اند؛ قدرت حضور مردم یعنی این. خب، حادثه‌ی قم یک حادثه‌ای است بمراتب از این بالاتر؛ چرا؟ برای خاطر اینکه در روز نوزدهم دی مردم قم آمدند داخل خیابان، شهید هم دادند، کتک هم خوردند، عده‌ای هم زندان رفتند، اما سرآغاز یک جریانی شدند که آن جریان توانست یک رژیم وابسته‌ی مستکبر ظالم مسلط بر این کشور را در طول مدت حدود یک سال سرنگون کند. از نوزدهم دی ۵۶ تا بیست و دوم بهمن ۵۷ مگر چقدر زمان است؟ حضور مردم در صحنه‌های مختلف این است؛ من دربارهی این می‌خواهم مطلبی عرض کنم؛ این را ما بایستی فراموش نکنیم. وقتی که یک چنین قدرتی در بازوی یک ملت و در مشت یک ملت وجود دارد، چرا قدرش را نداند؟ چرا از آن استفاده نکند؟ چرا در مقابل حوادث بزرگ، آن را به کار نیندازد و در وسط میدان نیاورد؟<sup>۱</sup>

## فصل پنجم

چگونه دولت  
سیزدهم را به  
عنوان الگوی دولت  
مقاومت تبیین  
کنیم؟

## ■ دولت مقاومت حاوی چه مشخصه‌هایی است؟

### دولت اسلامی چیست؟

مطابق نظریه تمدنی رهبری، مراحل حرکت انقلاب اسلامی به سوی افق تمدنی، شامل پنج مرحله است: ۱- انقلاب اسلامی، ۲- نظام اسلامی، ۳- دولت اسلامی، ۴- جامعه اسلامی، ۵- تمدن نوین اسلامی. مطابق ارزیابی راهبردی که رهبری از وضعیت انقلاب اسلامی داشته‌اند، انقلاب اسلامی از موقف نظام اسلامی عبور کرده است، اما هنوز به دولت اسلامی و جامعه اسلامی دست نیافته است.

ما جامعه‌ی اسلامی نداریم، ما دولت اسلامی هم

نداریم! از آن مراحل چندگانه‌ای که ما مطرح کردیم، هنوز در دولت اسلامی‌اش مانده‌ایم؛ بعد از دولت اسلامی نوبت جامعه‌ی اسلامی است؛ ما این مراحل را در پیش داریم. ما توانستیم یک انقلاب اسلامی - یعنی یک حرکت انقلابی - به وجود بیاوریم؛ [بعد] توانستیم بر اساس آن، یک نظام اسلامی به وجود بیاوریم؛ خیلی خوب، تا اینجا توفیق حاصل شده که خوب خیلی هم مهم است؛ لکن بعد از این، ایجاد یک دولت اسلامی است؛ یعنی [ایجاد] تشکیلات مدیریتی اسلامی برای کشور؛ ما در این قضیه هنوز خیلی فاصله داریم تا به مقصود برسیم. البته معنایش این نیست که کسی احساس ناامیدی کند؛ ابداً؛ داریم پیش می‌رویم؛ با همه‌ی مخالفتها، با همه‌ی کارشکنی‌ها، با همه‌ی دهن‌کجی‌هایی که میشود، حرکت میکنیم و داریم پیش می‌رویم بلاشک. دلایل زیادی وجود دارد؛ لکن [هنوز] کار داریم، کار دارد؛ هنوز خیلی فاصله داریم تا اینکه بتوانیم یک دولت اسلامی به وجود بیاوریم.<sup>۱</sup>

مطابق نقشه راه انقلاب اسلامی، دولت اسلامی بر جامعه

---

۱. بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران ۱۳۹۶/۰۶/۰۶

اسلامی مقدم است؛ یعنی ابتدائاً باید دولت اسلامی تشکیل شود تا بتوان جامعه اسلامی را بنا کرد. به عبارت دیگر، مادامی که دولت اسلامی ایجاد نشود، امکان رسیدن به جامعه اسلامی وجود ندارد و هر گونه تلاشی در راستای دستیابی به جامعه اسلامی، در حدّ گفتمان سازی باقی خواهد ماند و عملیاتی نخواهد شد.

تا وقتی این مرحله به طور کامل محقق نشده است، نوبت به تشکیل جامعه اسلامی نمیرسد و در این صورت موضوع سبک زندگی اسلامی نیز صرفاً در حدّ گفتمان سازی در جامعه باقی خواهد ماند!

دولت اسلامی بر دو رکن استوار است: رفتار دولتمردان و نرم افزار اداره. برای آن که دولت اسلامی تحقق یابد، اولاً رویکرد و مشی اسلامی باید در رفتار کارگزاران دولت جمهوری اسلامی نهادینه شود، ثانیاً می بایست سازوکارها و نهادهایی که دولت از طریق آن کشور را اداره می کند، اسلامی شود.

اگر من و شما در معاشرتمان، در رفتارمان، در طلب مالمان، در مجاهدتمان، نتوانستیم خود را به حد نصاب برسانیم، از آن دانشجو، از آن جوان بازاری، از آن عنصر

در رده‌های پایین دولتی، از آن کارگر، از آن روستایی، از آن شهری چه توقعی می‌توانیم داشته باشیم که اسلامی عمل کنند؟ چرا مردم را بیخود ملامت می‌کنیم؟ نباید ملامت کنیم. اگر کمبودی هست، خودمان را باید ملامت کنیم؛ لوموا انفسکم.

اول، ما اسلامی می‌شویم؛ وقتی اسلامی شدیم، کونوا دعاة الناس بغير السننکم؛ آن وقت عمل ما مردم را مسلمان واقعی خواهد کرد و کشور، اسلامی خواهد شد؛ هم احکام و مقررات اسلامی است، هم اجرا اسلامی است، هم دولتمردان اسلامی‌اند، هم مردم به تبع حال و به تبع دولتمردان از لحاظ اخلاقی اسلامی خواهند شد. البته شیطان نمی‌میرد؛ شیطان زنده است. همیشه عده‌یی، جریانی، مجموعه‌هایی هستند که تسلیم شیطان بشوند؛ اما شکل کلی، اسلامی خواهد شد.

منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره‌ی تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد؛ نهادها و بنیادهای اداره‌ی کشور و مدیریت کشور معین شد. این مجموعه‌ی نهادهای مدیریتی، دولت

چگونه «مقاومت» را در جامعه تبیین کنیم؟ | ۱۰۳

اسلامی است. در اینجا منظور از دولت، فقط قوه‌ی مجریه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره‌ی یک کشور را برعهده دارند؛ نظامات گوناگون اداره‌کننده‌ی کشور... دولت اسلامی، یعنی سازوکارها و نهادسازیهایی لازم برای ایجاد آن جامعه‌ی اسلامی.<sup>۱</sup>

## ■ رابطه دولت مقاومت با دولت اسلامی چیست؟

دولت اسلامی شئون مختلفی دارد. یکی از شئون دولت اسلامی، نوع رفتار با نظم جهانی یا نظام سلطه است.

معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان، و رفتار با نظامهای بین‌المللی و نظام سلطه‌ی امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیکتر کنیم.<sup>۲</sup>

رفتار دولت اسلامی با نظام سلطه جهانی می‌بایست چگونه باشد؟ دولت اسلامی در نقشه راه انقلاب اسلامی، در درون نظام اسلامی و در شرایط ماقبل تمدن اسلامی تعریف می‌شود. اگرچه

---

۱. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۴

۲. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸

نظام اسلامی اقتدارات متعددی دارد، اما هنوز تا رسیدن به اقتدار تمدنی فاصله دارد. در شرایط تاریخی که در آن به سر می‌بریم، تمدن غربی بر جهان حاکم است و در ذیل این تمدن، جهان به دو گروه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم شده است. جمهوری اسلامی که بر مبنای هویت و ماهیتی ظلم‌ناپذیر و ظلم‌ستیز شکل گرفته، نظم جهانی را که بر روابط ظالمانه بین سلطه‌گر و سلطه‌پذیر استوار است، نمی‌تواند بپذیرد و آن را به چالش می‌کشد. در جهان امروز، اشخاص، گروه‌ها و سازمان‌هایی هستند که در برابر این نظم ظالمانه می‌خواهند بیاستند، اما جمهوری اسلامی از یک تمایز اساسی نسبت به آن‌ها برخوردار است: جمهوری اسلامی دولت مقاومت است. جمهوری اسلامی، نه در قالب یک گروه یا یک سازمان، بلکه در مقام و منزلت یک دولت می‌خواهد در برابر نظم جهانی مقاومت کند.

ما امروز دولت مقاومتیم. دولت مقاومت خیلی مهم است. دولت مقاومت با فلان سازمان مقاومت فرق دارد، با فلان جریان مقاومت در فلان کشور فرق دارد، با فلان شخصیت مقاومت فرق دارد. [البته] با آن‌ها هم دشمنند؛ استکبار جهانی که اهل زیاده‌طلبی است، اهل تجاوز است، اهل دست‌اندازی به همه‌ی ثروت‌های مادی و

معنوی ملت‌های عالم است، با هر عنصر مقاومت مخالف است، [لذا] با سازمان‌های مقاومت هم مخالف است، با انسان‌های مقاوم هم مخالف است، اما این‌ها کجا و دولت مقاومت که بر اساس مقاومت تشکیل بشود، کجا! جمهوری اسلامی دولت مقاومت است!

سطح اقدامات و کنشگری دولت مقاومت قابل مقایسه با گروه‌ها یا سازمان‌های مقاومت نیست. چون دولت، از شئون مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی برخوردار است و سطح تحرک یک دولت رسمی فراتر از کنشگری یک گروه یا یک سازمان است. علت فشارهای جهانی بر جمهوری اسلامی هم به این دلیل است که مقاومت را قامت یک دولت تعریف کرده است.

جمهوری اسلامی دولت مقاومت است؛ دولت مقاومت که سیاست دارد، اقتصاد دارد، نیروی مسلح دارد، حرکات بین‌المللی دارد، منطقه‌ی نفوذ وسیع در درون کشور و بیرون کشور دارد؛ این بسیار مهم است، و با هیچ عنصر مقاومت دیگری قابل مقایسه نیست. برای همین است که دشمنی‌ها از همه جای دنیا - چه از سوی

قدرت‌طلبان، چه از سوی نوکران قدرت‌طلبان - متوجه جمهوری اسلامی است!

بر این اساس، دولت مقاومت را می‌توان تعریف کرد:

دولت مقاومت یعنی چه؟ یعنی تسلیم زورگویی نشدن، تسلیم زیاده‌طلبی نشدن، در موضع اقتدار ایستادن. دولت مقاومت در موضع اقتدار قرار می‌گیرد. ببینید، دولت مقاومت نه اهل تجاوز است، نه اهل سلطه‌طلبی و دستاندازی به ملّتها و کشورها است، نه اهل فرورفتن در لاک دفاعی و موضع انفعال است؛ هیچکدام از اینها نیست. بعضی خیال میکنند اگر ما بخواهیم خودمان را از تهمت سلطه‌طلبی و اقتدارطلبی بینالمللی و منطقه ای برکنار کنیم، باید برویم در لاک دفاعی؛ اینجوری نیست. در لاک دفاعی نمی‌رویم، در موضع انفعال قرار نمی‌گیریم. بلکه ما در موضع اعدّوا لهم ما استتطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدوّ الله و عدوّکم قرار می‌گیریم. در موضعی قرار می‌گیریم که در این آیه شریفه از آن تعبیر شده است به ترهبون به عدوّالله و عدوّکم؛ ترهبون به یعنی چه؟ ترهبون

به همان چیزی است که در ادبیات سیاسی امروز به آن قدرت بازدارندگی می‌گویند. جمهوری اسلامی در جایگاهی قرار می‌گیرد که دارای قدرت بازدارندگی است؛ دارای اقتدار بازدارنده است؛ می‌خواهند این اقتدار نباشد<sup>۱</sup>.

با توضیحات ارایه شده، رابطه بین دولت مقاومت با دولت اسلامی را می‌شود این‌گونه تبیین کرد: دولت مقاومت ایده‌ی مرکزی حاکم بر دولت اسلامی است که نوع تعامل و مواجهه دولت اسلامی با نظم جهانی مستقر را توضیح می‌دهد. تعامل و مواجهه با نظم مستقر جهانی، در نگاه اول عمدتاً از سنخ سیاست خارجی یا امور امنیتی و دفاعی محسوب می‌شود، زیرا با ارتباطات و تعاملات بین‌المللی و تمامیت ارضی ارتباط مستقیم دارد. ولی با این حال، نمی‌توان دولت مقاومت را به ایده‌ای در حوزه سیاست خارجی یا حوزه امنیتی - دفاعی تقلیل داد؛ زیرا نحوه مواجهه و برخورد با نظم جهانی، پیامدهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و اجتماعی دارد که دولت مقاومت نمی‌تواند از آن غفلت کند. بنابراین، دولت مقاومت، ایده‌ای است که کلیت دولت را چه از حیث ارتباطات و تعاملات و تخصیصات بین‌المللی

و چه از حیث حکمرانی سیاسی، حکمرانی اقتصادی، حکمرانی فرهنگی و ... توضیح می‌دهد. دولت مقاومت، با چنین تبیینی، مقدمه دولت اسلامی است و دولت اسلامی زمانی شکل می‌گیرد که دولت مقاومت باشد. دولت مقاومت را اگرچه نمی‌توان تحقق کامل دولت اسلامی دانست، ولی می‌توان آن شرط لازم و ضروری دولت اسلامی دانست.

## ■ رفتار دولت مقاومت در مواجهه با اقتضائات نظم جهانی چگونه است؟

دولت مقاومت به جای هضم شدن در نظم جهانی یا شورش بر آن، در صدد تغییر نظم جهانی است

گفته شد که دولت مقاومت نسبت به گروه‌ها و سازمان‌های مقاومت، امکان عمل گسترده‌تری دارد. در کنار این امر، باید توجه کرد که دولت رسمی پذیرفته شده در نظام حقوق بین‌الملل، نسبت به یک شخص، گروه یا سازمان مقاومت، با محدودیت‌ها و اقتضائاتی رو به رو است. حرکت نهضتی یک شخص یا گروه یا سازمان مقاومت، می‌تواند ملتزم به لوازم عرف بین‌المللی نباشد، اما دولتی که در حقوق بین‌الملل تعریف مشخصی دارد،

نمی‌تواند به هر اقدامی دست بزند. دولت مقاومت در وضعیت پیچیده و بغرنجی قرار دارد: از یک سو هویت و ماهیت دولت مقاومت، نفی نظام سلطه و نظم بین‌المللی مبتنی بر آن است و از سوی دیگر، چون دولت رسمی است، باید در درون حقوق بین‌الملل، قواعد و عرف بین‌المللی را رعایت کند. همین موقعیت متناقض‌نما است که رفتار دولت‌های پس از انقلاب را تحت شعاع قرار داده است. تصوّر برخی دولت‌ها این بوده است که اگر بخواهند قواعد و عرف بین‌الملل را به کلی رعایت نمایند، باید نظم بین‌المللی موجود - نظام سلطه - را بپذیرند. در نقطه مقابل، برخی جریان‌ها تلقی‌شان این است که جمهوری اسلامی باید به مثابه یک نهضت بر علیه نظم بین‌المللی شورش کند و ملتزم به قواعد و عرف بین‌الملل نباشد.

دولت مقاومت در برابر هضم شدن در نظم بین‌المللی و شورش بر علیه نظم بین‌المللی، راه سوّمی را برمی‌گزیند: حضور فعال در نظم بین‌المللی موجود و ایجاد تغییر در نظم بین‌المللی. دولت مقاومت از یک سو نمی‌خواهد مناسبات جهانی را به شکلی بپذیرد که در آن هضم شود، از سوی دیگر، نمی‌خواهد به عنوان شورش‌گر و یاغی در این نظم شناخته شود. این موقعیت مرزی که جمهوری اسلامی برای خود برگزیده

است، اگرچه محدودیت‌هایی را در کنشگری جمهوری اسلامی می‌تواند ایجاد نماید، لکن امتیاز بزرگی را در اختیار جمهوری اسلامی قرار می‌دهد که در متن مناسبات بین‌المللی حضور فعال و پویایی داشته باشد و بتواند در تغییر نظم جهانی نقش آفرینی کند.<sup>۱</sup> دولت مقاومت به علت داشتن چه هویت فعالی، موجب عصبانیت قدرت‌های غربی را فراهم آورده است. آمریکا در بلعیدن و هضم کردن دولت‌های رسمی از طریق سازوکارهای بین‌المللی توان بالایی دارد، هم‌چنان‌که در ایجاد اجماع جهانی بر علیه حرکت‌های شورشی و از بین بردن چنین حرکت‌هایی سابقه‌دار و تجربه‌دار است. دولت مقاومت هر دو مسیر را سد می‌کند: نه هضم در مناسبات جهانی می‌شود و نه به گونه‌ای رفتار می‌کند که اعتبار حقوقی و سیاسی‌اش را به عنوان یک دولت معتبر رسمی در جهان خدشه‌دار نماید. این مشی و این رفتار، جمهوری اسلامی

---

۱. چون چنین حضور فعالی در عرصه بین‌الملل، خلاف‌آمد عادت دولت‌های رسمی است و واقعاً ایده‌ی نوینی است، جریان‌هایی از هر دو سو، دولت مقاومت را مورد نقد قرار می‌دهند. جریان‌های غرب‌گرا و سازش‌کار دولت مقاومت را این‌طور نقد می‌کنند که برای بودن در مناسبات جهانی، باید هضم در نظم جهانی شد و نباید با این نظم، تعارض و چالش کرد. جریان‌های نهضت‌گرا دولت مقاومت را این‌طور نقد می‌کنند که برای تعارض با نظم بین‌الملل، نباید محافظه‌کار بود و باید با این نظم جنگید.

را بازیگری فعال و نقش آفرین در ارتقای سهم خود از معادلات بین‌المللی قرار داده است.

## **دولت مقاومت رابطه منافع ملی با منافع امت اسلامی و اهداف جهانی را نه متعارض، بلکه متعاقد می‌داند**

رهبر بزرگوار انقلاب، در دوّمین سالگرد شهادت سردار سلیمانی، در ضمن توصیف شخصیت این شهید، دو دیدگاه را نقد کردند: دیدگاهی که با فهم غلطی از منافع ملی، کنشگری امّتی و فراملّی جمهوری اسلامی را نفی می‌کند، و دیدگاهی که با فهم غلط از امّت‌گرایی جمهوری اسلامی، نسبت به مقوله منافع ملی غافل است. رهبری، شخصیت شهید سلیمانی را نقطه تعادل نگاه ملی و نگاه امّتی و فراتر از آن، ملی‌ترین و هم‌امّتی‌ترین شخصیت دانستند.

بعضی‌ها سعی می‌کنند یک دوگانه‌ی ملّت و امّت درست کنند؛ ریشه‌ی این کار در اختیار دشمن است و آن‌ها دارند این کار را می‌کنند. البتّه بعضی‌ها هم اشتباه می‌کنند و غافلانه همین خط را می‌روند. در داخل هم گاهی اوقات می‌بینیم که آن کسی که برای امّت اسلامی کار می‌کند،

دیگر نگاهش لزوماً به سمت ملت ایران نیست؛ یا بعکس. شهید عزیز ما، شهید سلیمانی، ثابت کرد که هم می‌توان ملّی‌ترین چهره‌ی کشور بود، هم می‌توان امّتی‌ترین چهره‌ی کشور بود؛ در آن واحد ملّی‌ترین و امّتی‌ترین بود.<sup>۱</sup>

یکی دیگر از دشواری‌های تبیین دولت مقاومت، توضیح تعاضدِ منافع ملّی با منافع امّتی و بین‌المللی است. دولت مقاومت، دولتی است که منافع ملّی و منافع امّت اسلامی را به صورت توأمان می‌خواهد. دولت مقاومت فهمی از رابطه دیدگاه ملّی و دیدگاه امّتی دارد که در آن تعارضی میان تامین منافع ملّی با تامین منافع امّت اسلامی وجود ندارد. دولت مقاومت، برای آن‌که منافع ملّی را بیشینه سازد، از آرمان‌های بلند فراملّی خود انصراف نمی‌دهد، بلکه آن اهداف امّتی و بین‌المللی را در خدمت منافع ملّی می‌داند. هم‌چنین تامین منافع ملّی را بریده و منقطع از دغدغه‌های امّتی و بین‌المللی نمی‌داند، بلکه تضمین‌کننده اهداف امّتی و بین‌المللی می‌داند.

---

۱. بیانات در دیدار خانواده و ستاد سالگرد شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی

## تبیین رویکرد دولت سیزدهم حاوی چه ضرورت راهبردی است؟

سید مقاومت، سید حسن نصرالله، در اولین سخنرانی خود پس از شهادت آیت‌الله ریسی، در تخطب با مخاطب عرب‌زبان به تبیین شخصیت آیت‌الله ریسی و دکتر امیرعبداللهیان و دولت سیزدهم پرداخت. او مقدمه سخن خود را این مطلب قرار داده بود که جامعه نیاز به الگو و اسوه دارد و با شهادت آیت‌الله ریسی، در موقف و منزلت رئیس‌جمهور یک الگو و اسوه شکل گرفته است.

ما به یک الگو و اسوه نیاز داریم. اسوه فقط در مقام نبوت و امامت و رهبران بالادستی نیست، ما نیاز به یک رئیس‌جمهور الگو داریم...

وی در این سخنرانی بر این امر تاکید کرد که شهید ریسی و شهید امیرعبداللهیان حامی جریان مقاومت در منطقه و مومن به راه مقاومت بودند:

ایشان از هیچ‌گونه حمایت معنوی، سیاسی، مالی و... از مقاومت برای آزادی قدس و مقدسات اسلامی دریغ نورزید... تلاش‌های دیپلماسی وزیر خارجه، شهید امیرعبداللهیان در رابطه با جبهه مقاومت بسیار قابل

ستایش است... دکتر عبد‌اللهیان عاشق مقاومت و مؤمن به راه مقاومت بودند... سخنرانی رئیس‌جمهور ایران در اجلاس سران عربی اسلامی در ریاض قویترین سخنرانی در حمایت از ملت فلسطین بود... شهید رئیسی در سخنرانی اجلاس عربی - اسلامی در جده پشت تریبون گفتند: من دست رزمندگان حماس و مقاومت فلسطین در غزه را می‌بوسم. و این به عنوان جمله‌ای از رئیس‌جمهور ایران بسیار حائز اهمیت است.

سید مقاومت، سپس، با تکیه بر مجموعه‌ای از آمارهای کمی تلاش کرد کارآمدی دولت سیزدهم را تبیین نماید. چرا سید مقاومت بر تبیین دستاوردها و اثبات کارآمدی دولت سیزدهم، آن هم در تخطاب با مخاطب عرب‌زبان تاکید دارد؟ تا‌مل در این پرسش می‌تواند ما را به این نکته رهنمون سازد که سید حسن نصرالله دولت سیزدهم را الگوی دولت مقاومت می‌انگارد و از همین رو در صدد است کارآمدی این دولت را اثبات نماید. تاکید وی مبنی بر این‌که با شهادت شهید رئیسی، اسوه و الگویی در عرصه ریاست‌جمهوری داریم، در پیوند با مطالبی که درباره دستاوردهای دولت سیزدهم به آن اشاره کرد، می‌تواند گویای این

مطلب باشد که سید مقاومت، الگوی کارآمدی از دولت مقاومت را در تجربه دولت سیزدهم یافته است. تذکر کوتاه رهبری در دیدار با خانواده شهدای خدمت را نیز در همین راستا ارزیابی کرد، آن جایی که فرمودند:

شرح خدمات و تلاش‌های آقای رئیسی و آقای امیر عبداللهیان در جبهه داخلی و در جبهه خارجی یک داستان طولانی و مفصل است.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد با شهادت شهید ریسی و با نظر رویکرد و عملکرد دولت سیزدهم، فرصتی برای تبیین دولت مقاومت فراهم شده است. ما در عرصه مقاومت قهرمانان بزرگی در نیروی قدس سپاه پاسداران داریم که سرآمد آنان، شهید قاسم سلیمانی است. اما در مقام و منزلت و موقف دولت، با نظر به تجربه‌ی تمامی دولت‌های پس از سال‌های دفاع مقدس، تجربه و مصداق کاملی که بتوانیم به آن اشاره کرد، نداشتیم. تجربه فعالیت‌های متراکم دولت سیزدهم در عرصه سیاست خارجی و پشتیبانی از محور مقاومت و هماهنگ‌سازی شرایط داخلی ایران

---

۱. گزیده‌ای از بیانات در منزل رئیس‌جمهور شهید حجت‌الاسلام والمسلمین

با طزّاحی‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، الگوی واقعی و عینی از دولت مقاومت را پیش روی ما قرار می‌دهد. با اشاره به رویکرد و عملکرد شهید ریسی و شهید امیرعبداللّه‌یان در دولت سیزدهم، می‌توان نشان داد که دولت مقاومت صرفاً یک نظریه نیست و در واقعیت خارجی تعین و تحقّق و مصداق داشته است. تبیین عملکرد دولت سیزدهم، تبیینی واقعی و مصداقی و عینی از دولت مقاومت است و کارآمدی نظریه مقاومت را در عمل و در مقایسه با سایر ایده‌های بدیل، به مردم ایران بازنمایاند.

## ■ چگونه دولت سیزدهم را به عنوان دولت مقاومت تبیین کنیم؟

دولت سیزدهم، با پرکاری و ارایه نصاب بالایی از خدمت، تاب‌آوری جامعه را در برابر هزینه‌های مقاومت ارتقا داد رویکرد حاکم بر دولت سیزدهم به ریاست شهید ریسی را می‌توان مصداق و نمونه‌ای از دولت مقاومت دانست. با نظر به دولت سیزدهم می‌توان فهمی از دولت مقاومت به دست آورد که سرمایه حرکت دولت‌های گام دوّم انقلاب اسلامی باشد. برای

تبیین چرایی انتساب عنوان دولت مقاومت به دولت سیزدهم، رجوع به یکی از پیام‌های مهم امام خمینی در ماه‌های پایانی عمر شریف‌شان می‌تواند کمک‌کننده باشد. امام چند ماه پس از پایان جنگ، پیامی خطاب به مهاجرین جنگ تحمیلی صادر کردند. مهاجرین، کسانی بودند که هزینه‌ی سنگین آوارگی از خانه و کاشانه را متحمل شده بودند و طبیعتاً تخاطب با این بخش از جامعه، در عرف سیاسی رایج، با دشواری‌هایی رو به رو است. اما امام، ضمن دلجویی از مهاجرین در ابتدای پیام، با صراحت، اولاً مسئولین دولت جمهوری اسلامی و ثانیاً مردم را به آرمان‌های جهانی و بلندنظرانه انقلاب اسلامی تذکر دادند.

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه‌ی شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه‌ی مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره‌ی هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان

معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.

مردم عزیز ایران که حقاً چهرهٔ منور تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند، باید سعی کنند که سختی‌ها و فشارها را برای خدا پذیرا گردند تا مسئولان بالای کشور به وظیفهٔ اساسی شان که نشر اسلام در جهان است برسند و از آنان بخواهند که تنها برادری و صمیمیت را در چهارچوب مصلحت اسلام و مسلمین در نظر بگیرند. چه کسی است که نداند مردم عزیز ما در سختی هستند و گرانی و کمبود بر طبقهٔ مستضعف فشار می‌آورد، ولی هیچ کس هم نیست که نداند پشت کردن به فرهنگ دول دنیای امروز و پایه ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی با امریکا و شوروی، فشار و سختی و شهادت و گرسنگی را به دنبال دارد و مردم ما این راه را خود انتخاب کرده‌اند و بهای آن را هم خواهند پرداخت و بر این امر هم افتخار می‌کنند. این روشن است که شکستن فرهنگ شرق و غرب، بی شهادت میسر نیست!

نکته حائز اهمیت در این عبارات این است که امام از یک سو به دولت انذار می‌دهند که تامین منافع اقتصادی و مادی برای رفاه عموم مردم، نباید دولت را از اهداف جهانی مورد نظر انقلاب اسلامی منصرف کند؛ از سوی دیگر از مردم می‌خواهند که با صبوری در پای سختی‌ها و فشارها، مسئولین بالادستی کشور را در پیگیری اهداف جهانی انقلاب پشتیبانی کنند. چنین تخطابی آن هم در شرایطی که چند ماهی بیشتر از پایان جنگ هشت ساله به پایان نرسیده است، در عرف سیاسی، رایج و متعارف نیست. راز پیچیدگی این سخن را در پیچیدگی و دشواری وضعیت مقاومت باید جستجو کرد. چنین تخطابی، تنها و تنها با دولت و جامعه‌ای که در وضعیت مقاومت به سر می‌برد و مبتنی بر نظریه مقاومت به مسیر خود ادامه می‌دهد، امکان‌پذیر است.

تخطاب دوسویه امام با دولت و مردم، ترسیم‌کننده خط مشی کلی دولت مقاومت است. برداشت غلطی از این سخن که جریان‌های غرب‌گرا به جامعه پمپاژ کردند، این بود که هزینه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی دولت جمهوری اسلامی را مردم پرداخت می‌نمایند؛ هزینه‌ای که مردم پذیرای آن نیستند و به خاطر سیاست خارجی جمهوری مجبور به تحمل آن هستند. نگاهی به رفتار اقتصادی و مشی همین جریان‌های غرب‌گرا

نشان می‌دهد که زندگی آن‌ها بیشترین فاصله را سطح عمومی  
 زندگی آحاد جامعه دارد. پیشنهاد چنین جریان‌هایی این است  
 که جمهوری اسلامی از نظریه مقاومت دست بردارد تا چنین  
 هزینه‌هایی بر زندگی مردم تحمیل نشود. با این مغالطه چگونه  
 می‌توان مواجه شد؟ به نظر می‌رسد نقد جریان‌های غرب‌گرا به  
 نظریه مقاومت و دولت مقاومت، با فرض وجود شکاف بین  
 کارگزاران و مردم قابلیت پذیرش اجتماعی پیدا می‌کند. یعنی اگر  
 شکاف اجتماعی بین زندگی کارگزاران دولت با زندگی آحاد جامعه  
 عمیق باشد، از میزان تاب‌آوری اجتماعی مردم کاسته می‌شود.

فهم درست از خط مشی موردنظر امام خمینی، تنها با این  
 فرض امکان‌پذیر است که دولت مقاومت در پیوند عمیق با  
 مردم عمیق با مردم باشد و شکافی میان دولت و مردم نباشد.  
 دولت مقاومت، دولتی است که از یک سو پیگیر ماموریت‌های  
 منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی است و از سوی دیگر،  
 هزینه‌های مقاومت را با پرکاری و خدمت مضاعف، دوشادوش  
 مردم و بلکه پیشاپیش مردم، خودش بر دوش می‌کشد. مردم  
 وقتی ببینند که کارگزاران دولت، در پذیرش هزینه مقاومت،  
 پیشاپیش مردم قرار دارند و فداکارانه بار مسئولیت را بر دوش  
 می‌کنند، در پذیرش سختی‌ها و دشواری‌های مقاومت، دولت را

در کنار خود می‌بینند و با دلگرمی مقاومت می‌کنند.

رویکرد دولت سیزدهم با محوریت شخصیت شهید ریسی، این بود که نصاب بالایی از خدمت را از حیث کمی و کیفی و صداقت ارایه نماید و هر گاه حادثه یا شرایطی به وجود آمد که مردم به دشواری افتادند، سریعاً وارد عمل شود و در کنار مردم قرار گیرد. این رفتار دولت سیزدهم موجب می‌شد که مردم احساس کنند دولت وسط میدان و در کنار آن‌ها ایستاده است و همین امر سرمایه اجتماعی ملی را برای ایستادن جمهوری اسلامی پای تحریکات محور مقاومت ارتقا می‌داد. مردم می‌دیدند که رئیس‌جمهور جلوتر از مردم بار مسئولیت را بر دوش کشیده و فراتر از عرف خدمت‌رسانی دولت‌ها، در صدد تسهیل شرایط زندگی برای آحاد جامعه است. این رفتار و مشی دلگرم‌کننده تاب‌آوری جامعه را علیرغم شرایط اقتصادی سخت و دشوار، ارتقا می‌بخشید.

من مهم‌ترین توفیق این دولت، زنده کردن امید و اعتماد در مردم است؛ این بزرگ‌ترین توفیق شما است. مجموع عملکرد دولت - چه شخص رئیس‌جمهور محترم، چه مسئولین در بخشهای مختلف - به مردم این احساس را داد که دولت وسط میدان است، مشغول کار است، دارد تلاش میکند و برای آنها خدمت میکند، می‌خواهد

خدمت‌رسانی بکند؛ این [کار]، امید مردم را و اعتماد مردم را تا حدود زیادی احیا کرد. در مواردی، این تلاشها نتایج محسوسی هم داشت که مردم به چشم دیدند، مثل بخش سلامت، بخشهای دیپلماسی، بعضی بخشهای فرهنگی و غیره که نتایج روشن و مشخصی هم داشته؛ بعضی از آنها هم نتایجی داشته است لکن برای مردم باید این نتایج نشان داده بشود؛ نتایجی وجود داشته، منتها باید به مردم گفته بشود که این نتیجه حاصل شد، این اتفاق افتاد. در بعضی از کارها هم هنوز تلاشها به نتیجه نرسیده، لکن احساس میشود که کار دارد انجام میگردد. این به نظر من بزرگ‌ترین توفیق شما است.

توفیق دیگری که شما داشتید، سرعت عمل شما است در قبال حوادث پیش‌بینی‌نشده مثل سیل، مثل حوادثی که اتفاق می‌افتد. این سرعت عمل خیلی چیز مهمی است. اینکه یک جایی زلزله بشود، سیل بیاید، بلافاصله مسئولین خودشان را برسانند آنجا و بالای سر کار بایستند و کار را سامان بدهند، این خیلی چیز باارزشی است. رئیس‌جمهور محترم از سفر خارجی برگشتند، بلافاصله رفتند کرمان

چگونه «مقاومت» را در جامعه تبیین کنیم؟ | ۱۲۳

سراغ سیل زده‌ها؛ یا وزیر محترم چند روز می‌رود بالای سر یک کاری می‌ایستد؛ اینها مهم است. این یکی از توفیقات شما است که نشان دهنده‌ی همدرد بودن دولت با مردم و در میدان بودن دولت است.<sup>۱</sup>

در باب خود رئیس‌جمهور عزیزمان – که رحمت خدا بر او باد – همه اعتراف کردند که مرد کار بود، مرد عمل بود، مرد خدمت بود، مرد صفا و صداقت بود؛ این را همه اعتراف کردند. شب و روز نمی‌شناخت. در خدمتگزاری به کشور، یک نصاب تازه‌ای را به وجود آورد. ما قبلاً هم شخصیت‌های خدمتگزار داشته‌ایم، اما نه در این حد، نه با این حجم، نه با این کیفیت، نه با این صداقت، نه با این پُرکاری و شب و روز نشناختن؛ یک نصاب جدیدی را آقای رئیس‌جمهور رحمته‌الله علیه در باب خدمتگزاری به ملت ایجاد کرد.<sup>۲</sup>

---

۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

۲. بیانات در مراسم سی و پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه

## دولت سیزدهم تلاش کرد مردم نتیجه تحرکات بین‌المللی را در منافع ملی احساس کنند

رویکرد دولت سیزدهم به گونه‌ای بود که مردم نه تنها تعارضی میان تحرکات منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی با تأمین منافع ملی احساس نکنند، بلکه نتیجه و دستاورد تحرکات بین‌المللی دولت جمهوری اسلامی را در امنیت و اقتصاد کشور احساس کنند. حجم تلاش‌های رئیس‌جمهور شهید و وزیر امور خارجه شهید در حدی بود که رهبر بزرگوار انقلاب در مورد آن این‌گونه بیان داشتند.

شرح خدمات و تلاش‌های آقای رئیسی و آقای امیر عبداللهیان در جبهه داخلی و در جبهه خارجی یک داستان طولانی و مفصل است.<sup>۱</sup>

تلاش دولت سیزدهم این بود که با ارتباطات گسترده بین‌المللی که وزن اقتصاد در آن برجستگی یافته بود، در بهبود وضعیت اقتصادی کشور احساس شود. این بهبود را به طور خاص در ارتقای شاخص‌های کلان اقتصادی و به نتیجه رساندن حجم

---

۱. گزیده‌ای از بیانات در منزل رئیس‌جمهور شهید حجت‌الاسلام والمسلمین

کثیری از پروژه‌های زیرساختی می‌توان ملاحظه کرد. اگرچه این دستاوردها و توفیقات کلان اقتصادی به دلایلی (ضعف کار رسانه‌ای و محسوس نشدن در سفره مردم) کمتر به چشم آمد و به همین دلیل، جامعه متوجه توفیقات اقتصادی دولت نشد؛ اما این نقیصه، خدشه‌ای به رویکرد کلی دولت وارد نمی‌کند.

تعداد قابل توجهی از شاخص‌های اقتصاد کلان، رشد را نشان می‌دهد، پیشرفت را نشان می‌دهد، تغییرات مثبت را نشان می‌دهد. البته تا مسائلی مربوط به اقتصاد کلان برسد به معیشت مردم و زندگی مردم یک مقداری فاصله وجود دارد؛ یعنی زمان باید بگذرد. طبیعت بعضی از دولتها این است که فردا را قربانِ امروز میکنند؛ این دولت این کار را نکرده؛ کارهای بزرگ و زیربنایی را انجام داده که اثرش ممکن است امروز به طور کامل ظاهر نشود، اما بالاخره ظاهر خواهد شد... شاید نزدیک به پنجاه مورد اتفاقات مثبتی که در زمینه‌ی اقتصاد رخ داده... افزایش رشد اقتصادی، بخصوص در بخش صنعت؛ این مهم است. افزایش رشد سرمایه‌گذاری که جزو مهم‌ترین مسائل اقتصادی ما است و مشکل اساسی ما در بعضی از دوره‌های گذشته، مسئله‌ی سرمایه‌گذاری بود که رشدش منفی بوده؛

به تعبیر رایج، به آن میگویند رشد منفی، در حالی که اسمش رشد نیست، عقب‌گرد است. کاهش رشد نقدینگی که در بیانات آقایان هم بود. کاهش بیکاری، کاهش ضریب جینی، رشد قابل توجه صادرات کالا، تقویت نظام مالیاتی که درآمدهای مالیاتی دولت توانسته بخش قابل توجهی از بودجه‌ی جاری دولت را تأمین کند. رشد قابل توجه تولید محصولات پتروشیمی که این مسئله‌ی محصولات پتروشیمی جزو چیزهای مهم کشور است. اقدامات ارزنده‌ای در زمینه‌ی نفت و گاز که یکی همین مرحله‌ی یازدهم پارس جنوبی بود که اخیراً آقای رئیس‌جمهور آن را افتتاح کرد. راه‌اندازی کارگاه‌های تعطیل‌شده یا نیمه‌تعطیل که عددی که ذکر کردند عدد بالایی است، چند هزار است؛ چند هزار کارخانه‌ی تعطیل یا نیمه‌تعطیل راه افتاده؛ این خیلی مهم است. فعالیت‌های مهم در زمینه‌ی آبرسانی یا شبکه‌های آبیاری و زهکشی در جاهای مختلف که در گزارشات آقایان هم بود... نزدیک به پنجاه قلم از این قبیل اقدامات به ما گزارش شده که اتفاق افتاده - که اینها خیلی باارزش و مهم است - منتها دیده نمیشود. اولاً به خاطر اینکه کار اطلاع‌رسانی در دولت متأسفانه ضعیف است؛

یعنی آن کار اساسی برای اطلاع‌رسانی نمیشود. اینکه یک نفر بیاید در تلویزیون حرف بزند و به مردم بگوید این کارها شده، این اطلاع‌رسانی نیست؛ اطلاع‌رسانی یک هنر است، یک کار هنری باید انجام بگیرد تا اینکه درست اطلاع‌رسانی بشود. یکی این است، یکی هم چون مشکلات معیشتی الان در مردم وجود دارد - گرانی هست، بخصوص در بخشی از مواد غذایی گرانی‌های زیادی هست یا در مسکن گرانی‌های زیادی هست - و اینها مسائل روزمره‌ی مردم است، مردم اینها را می‌بینند و از کارهای مهم و باارزش اقتصادی طبعاً غفلت پیدا میشود؛ یعنی اینها غباری میشود که جلوی کارهای اساسی را میگیرد!

دولت سیزدهم در برابر خط سیاسی و رسانه‌ای که سیاست منطقه‌ای و تحرک بین‌المللی جمهوری اسلامی را در تعارض با منافع ملی و منافع اقتصادی نشان می‌داد، راه جدید و تصویر تازه‌ای از دولت مقاومت را بازنمایی کند؛ تصویری که برای ادامه راه دولت مقاومت به آن محتاج هستیم.

## دولت سیزدهم، با افزایش گستره ارتباطات و تعاملات بین‌المللی، انحصار ارتباط با قدرت‌های غربی را بی‌معنا کرد

یکی از نقدهایی که از دریچه نظریه مقاومت نسبت به دولت و سیاست خارجی غرب‌گرا مطرح می‌شد، این بود که ارتباطات بین‌المللی را نباید صرفاً به تعامل با قدرت‌های غربی تقلیل داد. منتها در هیچ یک از دولت‌های پس از انقلاب، به صورت متعین و واقعی، مسیر جایگزینی ارایه نشده بود. به نظر می‌رسد در تجربه سه ساله دولت سیزدهم، برای نخستین بار، صورت جدیدی از سیاست خارجی و ارتباطات بین‌المللی رخ داد که متمایز از عملکرد دولت‌های گذشته و دستگاه سیاست خارجی بود. در این رویکرد جدید از سیاست خارجی، حجم گسترده و فراگیری از ارتباطات بین‌المللی سازنده، جایگزین سیاست خارجی غرب‌گرا شد.

از محورهای مهم رویکرد جدید سیاست خارجی که دولت سیزدهم بنیان‌گذار آن شد، می‌توان به سیاست همسایگی، فعال‌سازی ارتباط با مناطق و قاره‌های مختلف و حضور در پیمان‌های بین‌المللی بود.

در بخش سیاست خارجی؛ تحزک دولت در باب سیاست

خارجی تحزک بسیار خوبی است. این سیاستی که شما

اخذ کرده‌اید که عبارت است از ارتباط با همسایگان، بسیار سیاست خوبی است، این را باید دنبال کرد. ما باید با هیچ یک از همسایگانمان مناقشه نداشته باشیم؛ باید سعی کنیم مناقشهای وجود نداشته باشد. هرچه مناقشه هست، تبدیل بشود به همکاری؛ این کاری ممکن است که خب یک مقداری انجام گرفته، بعد از این هم باید انجام بگیرد. یا ارتباط با همه‌ی دولتهایی در دنیا که مایل به ارتباط با ما هستند، با یک استثنای محدودی که حالا مشخص است. ارتباط با قاره‌های مختلف؛ آمریکای جنوبی، آفریقا، آسیا، شرق آسیا، همه جا. این سیاست ارتباط متعدد و متنوع با کشورهای مختلف، با خصوصیات که دارند از لحاظ سیاسی، از لحاظ اقلیمی، از لحاظ امکانات اقتصادی، فرهنگی و غیره، کار درستی است. عضویت در دو پیمان مهم بین‌المللی در فاصله‌ی کوتاه، موفقیت خیلی خوبی بود که خود این نه فقط مفید برای کشور است، بلکه حکایت از یک حقایق و واقعیاتی هم میکند. کشورهای دنیا عاشق چشم و ابروی کسی نیستند که بگویند آقا شما بفرمایید اینجا عضو بشوید؛ یک محاسبه‌ای دارند که این حرف را میزنند، یک

محاسبه‌ای دارند که میپذیرند یک دولت را؛ این محاسبه خیلی مهم است؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که کشور در وضعی قرار دارد، در حدّی قرار دارد که مشترکان و مؤسسان این پیمانهای بین‌المللی راغبند، مایلند و بلکه گاهی مصرّد که کشور عزیزمان جزو آن‌ها بشود.<sup>۱</sup>

از دیگر محورهای رویکرد جدید سیاست خارجی که در مقابل خطّ تطبیع (عادی‌سازی) راه‌اندازی شد، کاستن از رفع سوءتفاهم با برخی کشورهای منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا بود که منزلتی راهبردی در معادلات منطقه‌ای دارند. عربستان، اردن، مصر و تونس از جمله کشورهایی هستند که ارتباط ایران با برخی از آن‌ها سال‌ها و با برخی دیگر دهه‌ها مخدوش شده بود. دولت سیزدهم از موضع درستی در صدد راه‌اندازی مجدد ارتباط و تعامل با این کشورها برآمد. سیاست تنش‌زدایی که در برخی دولت‌های قبل، با رویکرد همسو با قدرت‌های غربی معنا می‌شد، در این دولت، با رویکرد تقویت جبهه مقاومت در منطقه پیگیری شد.

ویژگی دیگری که سیاست خارجی دولت سیزدهم داشت، این بود که در عین افزایش ارتباطات با جهان غیرغربی (اعم از شرق و

چگونه «مقاومت» را در جامعه تبیین کنیم؟ | ۱۳۱

(...، ارتباط با قدرت‌های غربی و سازمان‌های بین‌المللی غربی را رها نکرد. این نکته‌ای بود که سید حسن نصرالله، در سخنرانی خود به مناسبت شهادت شهید ریسی و در تبیین سیاست خارجی دولت سیزدهم به آن اشاره داشت:

سیاست خارجی ایشان [آیت‌الله ریسی] بر اولویت دادن به شرق بدون قطع روابط با غرب استوار بود.

دولت سیزدهم پرونده تحریم را رها نکرد و آن را با جدّیت پیگیری کرد، اما رویکردی را اتخاذ نکرد که جامعه ایرانی چشم‌انتظار حل آن مناقشه باقی بماند.

یک توفیق دیگر این دولت این بود که جامعه را از حالت چشم‌انتظاری و نگاه به بیرون خارج کرد. از این حالت که همیشه منتظر باشیم ببینیم دیگران درباره‌ی ما چه می‌گویند، چه تصمیم می‌گیرند، چه کار می‌خواهند بکنند خارج شده؛ به ظرفیتهای داخل کشور اهمّیت داده شده، روی آنها تکیه شده، کار دارد میشود. اینکه حالا باید حتماً با فلان کشور ارتباط برقرار کنیم تا مشکلاتمان حل بشود یا فلان گره باید از فلان جا باز بشود تا مشکلات ما حل بشود، این خیلی برای کشور مضر است؛ این شرطی کردن حوادث

کشور و در انتظار دیگران نگه داشتن، چیز بدی است که این الحمدلله در دولت شما به میزان زیادی کاسته شده.<sup>۱</sup>

### **دولت سیزدهم با ایجاد یگانگی میان میدان و دیپلماسی، پشتیبان و حامی نیروهای مسلح برای پیگیری سیاست‌های منطقه‌ای بود**

یکی از چالش‌هایی که در دولت‌های قبلی با آن رو به رو بودیم، اختلاف نظر دولت‌ها با سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی بود. وزیر امور خارجه یکی از دولت‌ها به صراحت از شکاف میان میدان و دیپلماسی سخن به میان آورده بود. دولتی که مدعی شعارهای انقلابی بود در ماجرای سوریه، منتقد سیاست کلان کشور در قبال چالش سوریه بود و حتی این اختلاف را در سخنرانی‌های عمومی بازتاب می‌داد. در دولت سیزدهم، برای نخستین بار میان دولت و نیروهای مسلح - یا به تعبیری، میان دیپلماسی و میدان - وحدت، هماهنگی و یگانگی به وجود آمد. آخرین و بزرگترین موضوع هماهنگی دولت با نیروهای مسلح، عملیات بزرگ وعده صادق است که با وحدت و انسجام

کامل بین دولت و نیروهای مسلح واقع شد و نتایج و دستاوردهای بزرگی در پی داشت. می‌دانیم که اتحاد چنین تصمیم‌های بزرگی، با هزینه‌هایی در حوزه اقتصاد همراه است که دولت متکفل رفع آن است و به همین دلیل، دولت‌ها به راحتی با چنین اقداماتی همراهی نمی‌کنند. اگر نیروهای مسلح از حمایت و پشتیبانی دولت برخوردار نباشند، امکان عمل جدی نخواهند داشت. دولت سیزدهم با محوریت شخص رییس‌جمهور، حامی و پشتیبانی کامل و جامع از این عملیات به عمل آورد و قطعاً در کنار نیروهای مسلح، سهم دولت سیزدهم را در این عملیات بزرگ باید محاسبه کرد.

